

دفترچه شماره ۳

آزمون شماره ۸

جمعه ۹۷/۰۷/۲۰

سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷

پاسخ‌های تشریحی

پایه دوازدهم انسانی

دوره دوم متوسطه

نام و نام خانوادگی:	شماره داوطلبی:
تعداد سؤالاتی که باید پاسخ دهید: ۲۸۰	مدت پاسخگویی: ۲۶۰ دقیقه

عناوین مواد امتحانی آزمون گروه آزمایشی علوم انسانی، تعداد سؤالات و مدت پاسخگویی

ردیف	مواد امتحانی		تعداد سؤال	شماره سؤال		مدت پاسخگویی
				از	تا	
۱	فارسی		۲۵	۱	۲۵	۱۸ دقیقه
۲	زبان عربی (عمومی)		۲۵	۲۶	۵۰	۲۰ دقیقه
۳	دین و زندگی		۲۵	۵۱	۷۵	۱۷ دقیقه
۴	زبان انگلیسی		۲۵	۷۶	۱۰۰	۲۰ دقیقه
۵	ریاضیات	ریاضی و آمار ۳	۱۵	۱۰۱	۱۱۵	۳۰ دقیقه
		ریاضی و آمار ۱	۱۰	۱۱۶	۱۲۵	
		ریاضی و آمار ۲	۱۰	۱۲۶	۱۳۵	
۶	اقتصاد		۱۰	۱۳۶	۱۴۵	۱۰ دقیقه
۷	علوم و فنون ادبی	علوم و فنون ادبی ۳	۱۵	۱۴۶	۱۶۰	۲۵ دقیقه
		علوم و فنون ادبی ۱	۱۰	۱۶۱	۱۷۰	
		علوم و فنون ادبی ۲	۱۰	۱۷۱	۱۸۰	
۸	عربی زبان قرآن ۳		۱۰	۱۸۱	۱۹۰	۱۰ دقیقه
۹	تاریخ	تاریخ ۳	۱۰	۱۹۱	۲۰۰	۲۰ دقیقه
		تاریخ ۱	۱۰	۲۰۱	۲۱۰	
		تاریخ ۲	۱۰	۲۱۱	۲۲۰	
۱۰	جغرافیا	جغرافیا ۳	۱۰	۲۲۱	۲۳۰	۲۰ دقیقه
		جغرافیای ایران	۱۰	۲۳۱	۲۴۰	
		جغرافیا ۲	۱۰	۲۴۱	۲۵۰	
۱۱	جامعه‌شناسی	جامعه‌شناسی ۳	۱۰	۲۵۱	۲۶۰	۳۰ دقیقه
		جامعه‌شناسی ۱	۱۰	۲۶۱	۲۷۰	
		جامعه‌شناسی ۲	۱۰	۲۷۱	۲۸۰	
۱۲	فلسفه و منطق	فلسفه دوازدهم	۱۰	۲۸۱	۲۹۰	۳۰ دقیقه
		منطق	۱۰	۲۹۱	۳۰۰	
		فلسفه یازدهم	۱۰	۳۰۱	۳۱۰	
۱۳	روان‌شناسی		۱۰	۳۱۱	۳۲۰	۱۰ دقیقه

حق چاپ و تکثیر پاسخ‌های آزمون برای تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی ممنوع می‌باشد و پیگرد قانونی دارد.



آزمون‌های سراسر گاج

دروس	طراحان	ویراستاران علمی
فارسی	امیرنجات شجاعی - مهدی نظری	ابوالفضل مزرعتی - اسماعیل محمدزاده مسیح گرجی - مریم نوری‌نیا
زبان عربی	خدیجه علیپور	حسام حاج مؤمن - شاهو مرادیان سید مهدی میرفتحی - سمیه رضاپور
دین و زندگی	مرتضی محسنی کبیر محمد رضایی‌بغا - امیررضا عمران‌پور فردین سماقی - محمد عبادتی	سمیه رضاپور
زبان انگلیسی	امید یعقوبی‌فرد	رزیتا قاسمی
ریاضیات	محمد یگانه	ندا فرهختی - پگاه افتقار سودابه آزاد
اقتصاد	میترا چینی‌ساز	محمد میلاد اکبری نصیبه کلانتری - مریم پارسائیان
تاریخ	محمد اسماعیل سلمان‌پور	سیده مریم میرقاسمی - فاطمه ساریخانی الهام مقدادیان - مبین غلامی‌نژاد
جغرافیا	محسن مصالایی	محمد اسماعیل سلمان‌پور مبین غلامی‌نژاد - سیده مریم میرقاسمی فاطمه ساریخانی - نصیبه کلانتری
جامعه‌شناسی	فروغ تیموریان - سیروس نبی‌زاده مبینا تاجیک	آناهیتا احسانی نصیبه کلانتری - مریم پارسائیان
فلسفه و منطق	سید حسام‌الدین جلالی	عماد صفرنژاد - نصیبه کلانتری مریم پارسائیان
روان‌شناسی	نگار کاغذگران	سیده مریم میرقاسمی - مریم احدزاده نصیبه کلانتری - مریم پارسائیان

آماده‌سازی آزمون

مدیریت آزمون: ابوالفضل مزرعتی

بازبینی و نظارت نهایی: سارا نظری

برنامه‌ریزی و هماهنگی: مریم جمشیدی عینی - مینا نظری

ویراستاران فنی: رزیتا قاسمی - بهاره سلیمی - ساناز فلاحي - سمیه رضاپور - بهاره‌سادات موحدی
آمنه قلی‌زاده - مریم پارسائیان

مدیر فنی: مهرداد شمسی

سرپرست واحد فنی: سعیده قاسمی

طراح شکل: فاطمه میناسرشت

حروف‌نگاران: پگاه روزبهانی - آنتیا طارمی - فریبا مرادزاده - زهرا نظری‌زاد - سارا محمودنسب
فرهاد عبیدی - نرگس اسودی

امور چاپ: عباس جعفری



دفتر مرکزی تهران، خیابان انقلاب، بین
چهارراه ولیعصر (عج) و
خیابان فلسطین، شماره ۹۱۹

اطلاع‌رسانی ثبت‌نام ۰۲۱-۶۴۲۰

نشانی اینترنتی www.gaj.ir





فارسی

۱ ۳ معنی درست واژه‌ها: مولع: شیفته، بسیار مشتاق، حریص، آزمند / محال: دروغ، بی‌اصل، ناممکن / هنگامه: غوغا، داد و فریاد، شلوغی، جمعیت مردم / منت: سپاس، شکر، نیکویی / اعراض: روی‌گردان از چیزی، روی‌گردانی، انصراف

۲ ۲ معنی درست واژه‌ها: باسق: بلند / بنان: سرانگشت، انگشت / صفوت: برگزیده، برگزیده از افراد بشر / قسیم: صاحب جمال / منکر: زشت، ناپسند (منکر: نفی‌کننده) / نمط: روش، نوع / ورطه: زمین پست، مهلکه، هلاکت / جافی: جفاکار، ستمکار / رُقع: نامه

۳ بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) عاکف: کسی که در مدتی معین در مسجد بماند و به عبادت پردازد.
(۲) خاییدن: جویدن، به دندان نرم کردن
(۳) قدوم: آمدن، قدم نهادن، فرارسیدن

۴ ۲ واژه‌ی «خیره» در گزینه‌ی (۲) به معنی «زل‌زده و حیران» به کار رفته است و در سایر گزینه‌ها به معنی «بی‌پرده».

۵ ۴ واژه‌ی «همسری» در گزینه‌ی (۴) به معنی «زوج برگزیدن» به کار رفته است و در سایر گزینه‌ها به معنی «برابری و مساوات».

۶ ۳ املای درست واژه‌ها: مخذول: خوار، زبون‌گردیده / فراغ: آسایش و آرامش، آسودگی / معاصی: جمع معصیت، گناهان

۷ ۱ املای درست واژه: خواستن: طلب کردن (خواستن: بلند شدن)
۸ ۴ عاشق (مضاف‌الیه) جان است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) از تو نشانی (مفعول) جز صنع حکیمانه ندیدند.
(۲) دروغ (مفعول) نگفتی.
(۳) تو لشکر (مفعول) بیارای.

۹ بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) دهاد: فعل دعایی، به معنی «امیدوارم که بدهد»
(۲) منشیناد: فعل دعایی، به معنی «امیدوارم که ننشیند»
(۴) باد: فعل دعایی، به معنی «امیدوارم که باشد»

۱۰ ۲ ماهتاب (ماه + تاب)

۱۱ ۲ می‌کردم: ماضی استمراری / نبود: ماضی ساده

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) نمی‌پرسی: مضارع اخباری
(۳) می‌چکد: مضارع اخباری
(۴) در نمی‌کشد: مضارع اخباری

۱۲ ۴ دل (نهاد) ز دست شد (فعل غیراسنادی). فعل «شد» در این گزینه به معنی «رفت» است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) خام (مسنند) نگشت (فعل اسنادی).
(۲) نگران (مسنند) باش (فعل اسنادی).
(۳) زیبا (مسنند) بود (فعل اسنادی).

۱۳ نام پدیدآورندگان آثار:

داستان‌های صاحب‌دلان: محمدی اشتیاردی

قابوس‌نامه: عنصرالمعالی

الهی‌نامه: عطار نیشابوری

ترجمه‌ی کلبه و دمنه: نصرالله منشی

۱۴ بررسی آرایه‌ها:

بیت «الف»: تشبیه: خانه‌ی چشم (اضافه‌ی تشبیهی) / حس‌آمیزی: شیرینی افسانه

بیت «ه»: تشبیه: مهر به دانه / حس‌آمیزی: سخن سرد

۱۵ استعاره: ماه استعاره از معشوق

واج‌آرایی: تکرار مصوت بلند «ا» (۸ بار) و صامت «ر» (۷ بار)

تشبیه: معشوق به آفتاب

تضاد: شب ≠ سحر

جناس: سحر، سفر

۱۶ بررسی آرایه‌ها:

تشبیه (بیت «ج»): نقد جان (اضافه‌ی تشبیهی) / سیم‌بر: تشبیه «بر» یار، به سیم (نقره)

پارادوکس (بیت «ه»): این که نیش سرچشمه‌ی نوش باشد.

استعاره (بیت «ب»): سرکشی سیل بهاران و به کار بردن «عنان‌داری» درباره‌ی آن و نیز دیوانگی دل و پر دادن آن

کنایه (بیت «د»): در خویشتن فرو رفتن: در این‌جا کنایه از توجه بسیار به ظرافت‌ها و جزئیات، معادل کنایه‌های ریزی‌بینی و خرده‌بینی

تناسب (بیت «الف»): طوفان، بادبان، کشتی، دریا

۱۷ مفهوم گزینه‌ی (۲): شیرین‌سخنی در وصف عشق

مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها: توصیف‌ناپذیری معشوق

۱۸ مفهوم گزینه‌ی (۲): شکرگزاری از بی‌نصیبی

مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها: شکر موجب افزایش نعمت است.

۱۹ مفهوم گزینه‌ی (۳): بی‌وفایی معشوق و آرزوی یافتن خبری از او

مفهوم مشترک عبارت سؤال و سایر گزینه‌ها: بی‌خبری عاشقانه

۲۰ ۳ مفهوم مشترک ابیات سؤال و گزینه‌ی (۳): انسان اشرف مخلوقات است.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) ستایش آفرینش ماه و خورشید

(۲) عنایت معشوق موجب کمال عاشق است.

(۴) ستایش آفرینش خداوند / انسان توانایی درک عظمت آفرینش را ندارد.

۲۱ ۳ مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینه‌ی (۳): بخشاینده‌ی خداوند

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) شور و آشفتگی و جنون، قابل مهار نیست.

(۲) بی‌تعلقی موجب آسودگی است.

(۴) بلندمرتبه‌ی درویشان

۲۲ مفهوم گزینه‌ی (۲): خاکساری در برابر معشوق و طلب عنایت

از او



مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها: تجلی وجود خداوند در پدیده‌های جهان

۲۳ ۳ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی (۳): فروتنی موجب کمال است.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

- (۱) تقابل عشق با عقل و صبر
(۲) تقابل عشق با عقل و صبر
(۴) وفاداری عاشق

۲۴ ۴ مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینه‌ی (۴): نکوهش ریاکاری

مفهوم سایر گزینه‌ها:

- (۱) نکوهش طمع
(۲) توصیه به راستی
(۳) نکوهش غیبت

۲۵ ۱ مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینه‌ی (۱): نکوهش حسد

مفهوم سایر گزینه‌ها:

- (۲) تربیت‌ناپذیری بدسرشتان
(۳) دل‌فریبی معشوق و دل‌دادگی عاشق / غیرت عاشقانه
(۴) خوش‌باشی / عشق‌ورزی و پندناپذیری عاشق

زبان عربی (عمومی)

■ درست‌ترین و دقیق‌ترین جواب را در ترجمه یا لغات یا گفت‌وگو یا مفهوم مشخص کن (۳۵ - ۲۶):

۲۶ ۴ أنزل: فرو فرستاده است، نازل کرده است [رد گزینه‌های (۱) و (۲)]

أنعمه المنهمرة: نعمت‌های ریزانش [رد گزینه‌های (۱) و (۳)]
فعلینا أن نشکره دائماً: پس ما باید همیشه از او سپاسگزاری کنیم [رد گزینه (۳)]

۲۷ ۴ لَنْ تَجِدُوا: نخواهید یافت [رد سایر گزینه‌ها]
نجاحکم: موفقیت شما، موفقیتتان [رد گزینه (۲)]

لا نجاح: هیچ موفقیتی نیست، هیچ موفقیتی وجود ندارد [رد گزینه‌های (۱) و (۳)]

لا یحاول: تلاش نمی‌کند [رد گزینه‌های (۲) و (۳)]
لأهدافه: برای اهدافش [رد گزینه (۲)]

۲۸ ۳ لهؤلاء الشعراء الإيرانيين: این شاعران ایرانی دارند [رد سایر گزینه‌ها]

أشعار ذات قيمة أدبية: شعرهایی (اشعاری) دارای ارزش ادبی [رد سایر گزینه‌ها]

۲۹ ۳ ترجمه درست عبارت: آن کودک به‌جز بازی با دوستانش را دوست ندارد.

۳۰ ۲ ترجمه درست سایر گزینه‌ها:

- (۱) سفر علمی ما مفید بود.
(۳) مادرم لباس زیبایش را در جشن تولدم پوشید.
(۴) برادر کوچکم را برای نوشتن تکالیفش صدا زدم.

۳۱ ۴ الداء: بیماری / خاکی آمیخته با آب ← الطینة: گِل

۳۲ ۲ «الأغصان» به معنای «شاخه‌ها» و جمع مکسر «عُصْن» است.

۳۳ ۲ سِوى (به‌جز) ≠ إِلَّا (به‌جز) ← مترادفاند، نه متضاد

بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۱) نیکوکاران = درستکاران، شایستگان
(۳) گمان کرد = پنداشت
(۴) تاریکی ≠ نور، روشنایی

۳۴ ۱ ترجمه عبارت سؤال: ای مادرم چه وقت ناهار می‌خوریم؟
ترجمه گزینه‌ها:

- (۱) هفت ساعت پس از خوردن صبحانه.
(۲) ساعت هشت بعد از ظهر.
(۳) ساعت پنج صبح.
(۴) نه ساعت قبل از خوردن صبحانه.

۳۵ ۱ ترجمه عبارت سؤال: هیچ خیری در گفتاری نیست مگر همراه با عمل (باشد).

مفهوم: بی‌فایده و بی‌ارزش بودن سخن بدون عمل.

■ متن زیر را با دقت بخوان سپس مناسب با آن به سؤالات پاسخ بده (۴۱ - ۳۶):

میان معجزه و کرامت فرقی وجود دارد. معجزه ویژه رسولان و پیامبران است اما کرامت ویژه اولیای صالح خداست. خداوند آن‌ها را با آن کرامت داد برای دلالت بر درستی راهی که از آن پیروی می‌کنند. همانا معجزه‌ها قدرت خداوند عزوجل را روشن می‌کنند و به قدرت کسی شباهت ندارند. و معجزه تأیید ما را به رسولان افزایش می‌دهد و آن‌ها را مورد اطمینان می‌کند و ایمان مردم و قانع شدن آن‌ها را به پیامبرشان و پروردگارشان افزایش می‌دهد. و همچنین معجزه حجت خدا بر مردمش می‌باشد. فرستادن رسولان و پیامبران با ادله و معجزاتی برای مردم از عدالت خداوند است. و به همین خاطر ایمان یا کفر را برمی‌گزینند و بر خداوند است حساب و پاداش [آن‌ها].

۳۶ ۳ متن در مورد سخن می‌گوید.

ترجمه گزینه‌ها:

- (۱) معجزه‌های شگفت در قرآن رسولان و ایمان مردم به آن‌ها
(۳) فرق معجزه و کرامت حجت خدا بر زمین

۳۷ ۳ [گزینه] نادرست را مشخص کن:

ترجمه گزینه‌ها:

- (۱) معجزه قدرت خالق را برای مردم روشن می‌کند.
(۲) نزد اولیای صالح خدا کرامت‌هایی را می‌بینیم.
(۳) معجزه‌ها بر کرامت صالحان دلالت دارند.
(۴) حساب و پاداش از عدالت خداوند متعال است.

۳۸ ۲ [گزینه] درست را مشخص کن:

ترجمه گزینه‌ها:

- (۱) هیچ فرقی میان معجزه و کرامت نیست.
(۲) معجزه به رسولان و پیامبران اختصاص دارد.
(۳) همانا کرامت بر درستی راه رسولان دلالت دارد.
(۴) کرامت به احدی از مردم مربوط نمی‌شود.



■ گزینه درست را در اعراب و تحلیل صرفی مشخص کن (۴۱ - ۳۹):

۳۹ ۱ دلایل رد سایر گزینه‌ها:

(۲) لازم ← متعدّد / «هم» المستتر ← «واو» البارز

(۳) للمخاطبین ← للغائبین / مجرد ثلاثی ← مزید ثلاثی

(۴) تفعّل ← إفعال / لازم ← متعدّد / الاسم الظاهر ← ضمیر «واو» البارز

۴۰ ۱ دلایل رد سایر گزینه‌ها:

(۲) مبني للمجهول ← مبني للمعلوم / نائب فاعله «قدرة» ← فاعله ضمیر «هي» المستتر

(۳) للغائب ← للغائبة / مجرد ثلاثی ← مزید ثلاثی / الاسم الظاهر ← ضمیر «هي» المستتر

(۴) «تفعّل» بزیدة حرفین ← «تفعیل» بزیدة حرف واحد / هو ← هي

۴۱ ۲ دلایل رد سایر گزینه‌ها:

(۱) معرّف بالعلميّة ← معرّف بأل / اسم المفعول ← صفة مشبّهة / صفة و منصوب ← مجرور بحرف الجرّ

(۳) «رسالة» و هي مؤنث ← «رسول» و هو مذکر / مضاف إليه و مجرور ← مجرور بحرف الجرّ

(۴) مفرد ← جمع مکسر / اسم الفاعل ← صفة مشبّهة / نكرة ← معرفة / خبر و مرفوع ← مجرور بحرف الجرّ

■ گزینه مناسب را در پاسخ به سوالات زیر مشخص کن (۵۰ - ۴۲):

۴۲ ۲ «فَقَدْتُ» و «التلميذة» هر دو مفرد مؤنث هستند.**نکته:** کسره در فعل «فَقَدْتُ» عارضی است.**بررسی سایر گزینه‌ها:**

(۱) لا تَشْرَبْ ← لا تَشْرَبُوا (این فعل خطاب به «الزّملاء» یعنی جمع مذکر است.)

(۳) جَلَبْتُ ← جَلَبْتُ (وقتی فعل قبل از فاعل اسم ظاهر بیاید، باید در حالت مفرد باشد.)

(۴) يُنَوِّرْ ← تُنَوِّرُ («الشمس» مؤنث معنوی است و فعل، پس از آن باید به صورت مؤنث بیاید.)

۴۳ ۳ «الإيرانيّين» (الإيرانيّ + يَنّ) جمع مذکر سالم است.

«الزّوار» هم جمع مکسر «زائر» می‌باشد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) قوانین جمع مکسر ← قانون

(۲) مساکین جمع مکسر ← مسکین

(۴) «المجنون» اسم مفرد است و «ون» جزئی از خود کلمه می‌باشد.

۴۴ ۴ در گزینه (۴) هیچ فعلی وجود ندارد که بخواهد امر باشد یا**نباشد.****بررسی سایر گزینه‌ها:**

(۱) اِصْبِرْ (فعل امر): صبر کن

(۲) اُضْطَرِّ (فعل امر): راست بگو

(۳) اُتْرَكُوا (فعل امر): ترک کنید

۴۵ ۲ در این سؤال باید فعل نهی یا همان امر منفی را پیدا کنیم.

برای این کار از ترجمه کمک می‌گیریم.

بررسی گزینه‌ها:

(۱) گفتن «نمی‌دانم» نصف دانش است ← فعل مضارع منفی

(۲) به آن چه گفته است نگاه کن و به کسی که گفته است، نگاه نکن ← لا تنظر: فعل مضارع نهی

(۳) همانا ما پاداش کسی که را که نیکی کرد، ضایع نمی‌کنیم ← فعل مضارع منفی

(۴) آیا نمی‌دانی که حق ماندگار است؟ ← فعل مضارع منفی

۴۶ ۲ «البنت» مفرد مؤنث است و اسم اشاره‌ی آن نیز مفرد مؤنث**می‌آید؛ هذه، تلك****۴۷ ۱ «أنا و خديجة» روی هم بر جمع دلالت دارند و دیگر مفرد****نیستند. بنابراین باید از فعل متکلم مع‌الغیر استفاده کنیم. هم‌چنین با توجه به «غداً» باید فعل، مضارع یا مستقبل باشد.****ترجمه: «من و خدیجه فردا به کربلای مقدس مسافرت می‌کنیم.»****۴۸ ۲ بررسی سایر گزینه‌ها:**

(۱) «واحد» از عددهای اصلی و به معنای «یک» است.

(۳) إثنان: دو / سبعة: هفت، از اعداد اصلی هستند.

(۴) «ثلاثة» از عددهای اصلی و به معنای «سه» است.

۴۹ ۳ در سایر گزینه‌ها فعل جمله از ترکیب «سَ- (سوف) + فعل**مضارع» ساخته شده و مستقبل هستند.**

«سألتم» فعل ماضی و از ریشه «سأل» است، یعنی حرف «س» جزئی از خود فعل است نه نشانه مستقبل.

۵۰ ۴ «تبحثين» فعل مضارع در صيغة «للمخاطبة» است، پس**ضمیر متناسب با آن «أنتِ» می‌باشد.****دین و زندگی****۵۱ ۲ هر کدام از ما، براساس فطرت خویش، خدا را می‌یابیم و****حضورش را درک می‌کنیم و به روشنی می‌دانیم در جهانی زندگی می‌کنیم که آفریننده‌ای حکیم آن را هدایت و پشتیبانی می‌کند و به موجودات و مخلوقات مدد می‌رساند. با وجود این شناخت اولیه، قرآن کریم ما را به معرفت عمیق‌تر درباره‌ی خداوند فرا می‌خواند و راه‌های گوناگونی را برای درک وجود او و نیز شناخت صفات و افعال او به ما نشان می‌دهد. یکی از این راه‌ها تفکر درباره‌ی نیازمند بودن جهان، در پیدایش خود، به آفریننده و خالق است.****۵۲ ۴ پدیده‌ها، که وجودشان از خودشان نیست، برای موجود****شدن نیازمند به پدیدآورنده‌ای هستند که خودش پدیده نباشد، بلکه وجودش از خودش باشد (واجب‌الوجود باشد)؛ همان‌طور که چیزهایی که شیرین نیستند، برای شیرین شدن نیازمند به چیزی هستند که خودش شیرین باشد. عبدالرحمن جامی این معنا را در دو بیت چنین بیان می‌کند:**

ذاتِ نایافته از هستی، بخش چون تواند که بود هستی‌بخش

خشک ابری که بود ز آب تهی نایند از وی صفت آب‌دهی

۵۳ ۳ انسان‌های ناآگاه نسبت به نیاز دائمی انسان به خداوند،**بی‌توجه‌اند اما انسان‌های آگاه دائماً سایه‌ی لطف و رحمت خدا را احساس می‌کنند و خود را نیازمند عنایات پیوسته‌ی او می‌دانند. برای همین است که پیامبر گرامی ما، با آن مقام و منزلت خود در پیشگاه الهی، عاجزانه از خداوند می‌خواهد که برای یک لحظه هم، لطف و رحمت خاصش را از او نگیرد و او را به حال خود واگذار نکند: «اللَّهُمَّ لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا»**



۶۲ ۲ موارد «ج» و «ه» از این شعر دریافت نمی‌شود چون این شعر درباره‌ی افرادی است که هم از زندگی دنیایی و بهره‌هایش استفاده می‌کنند و هم از آن جایی که تمام کارهای دنیوی خود را برای رضای خدا انجام می‌دهند، جان و دل خود را به خداوند نزدیک‌تر می‌کنند و سرای آخرت خویش را نیز آباد می‌کنند. در حالی‌که در موارد «ج» و «ه» فقط درباره‌ی زندگی دنیایی سخن گفته شده است.

۶۳ ۴ با توجه به آیه‌ی شریفه‌ی «و ما خلقتُ الجنَّ و الانسَ الا ليعبدون» هدف اصلی انسان از زندگی باید عبادت و بندگی خداوند باشد. هر حرکت و عملی که برای کسب رضای الهی باشد و براساس معیارهای دینی صورت گیرد، عبادت است و شاید کامل‌ترین تعبیر درباره‌ی «زندگی به‌خاطر خدا» تعبیر خود خداوند باشد که می‌فرماید: «قل ان صلاتی و نُسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین»

۶۴ ۱ اگر انسان نداند که «برای چه آفریده شده و هدف از زندگی او در این جهان چیست؟» و پاسخ این سؤال مهم و حیاتی را ندهد، این خطر وجود دارد که زندگی خود را به اشتباه صرف کارهایی کند که برای آن خلق نشده است و سرمایه‌ای را از دست دهد که نه ارزش آن قابل مقایسه با چیزهای دیگر است و نه امکان به دست آوردن مجدد آن وجود دارد.

۶۵ ۱ منشأ اختلاف انسان‌ها در انتخاب هدف، نوع نگرش و بینش آن‌ها می‌باشد و دومین تفاوت انسان با دیگر موجودات در چگونه رسیدن به هدف از آن‌جا نشأت می‌گیرد که انسان دارای روحیه‌ای بی‌نهایت‌طلب است و عطشی روزافزون برای رسیدن به خواسته‌هایش دارد.

۶۶ ۳ انسان مانند سایر موجودات به سوی هدف حکیمانه‌ای در حرکت است. هدفی که گام نهادن او در این دنیا، فرصتی است که برای رسیدن به آن هدف به او داده شده است.

هدف‌ها و دلبستگی‌های پایان‌پذیر مثل مال و ثروت، هدف‌های فرعی به شمار می‌روند. در حالی که هدف‌های پایان‌ناپذیر و همیشگی مانند خیرخواهی نسبت به دیگران هدف اصلی محسوب می‌شوند.

۶۷ ۲ برای انتخاب صحیح هدف‌ها و دل بستن به آن‌ها باید ارزش هدف‌ها را مشخص کنیم و متناسب با ارزشی که دارند، به آن‌ها رتبه دهیم.

۶۸ ۳ اگر هدف و مقصد زندگی، خدا باشد، خوشحالی‌ها و ناراحتی‌ها، شکست‌ها و پیروزی‌ها و بسیاری دیگر از مفاهیم کلیدی زندگی، تعریف جدیدی پیدا می‌کند. شکست، دور شدن از خدا و پیروزی، نزدیک شدن به خدا معنا می‌شود که آیه‌ی شریفه‌ی «ان صلاتی و نُسکی...» به این موضوع اشاره دارد.

۶۹ ۴ خداوند با دادن نعمات مادی و معنوی به انسان، او را گرامی داشته و به او کرامت بخشیده و بر بسیاری از مخلوقات برتری داده است. آن‌چه در آسمان‌ها و زمین است، برای او آفریده و توانایی بهره‌مندی از آن‌ها را در وجود او قرار داده است. همه‌ی این‌ها نشان می‌دهد که خداوند برای انسان در نظام هستی جایگاه ویژه‌ای قائل شده است. عبارت «قرار دادن خود به عنوان بهای انسان» در متن کتاب نیامده است.

۷۰ ۳ خداوند، به ما نیرویی عنایت کرده تا با آن بیندیشیم و مسیر درست را از راه‌های غلط و خوب را از بد تشخیص دهیم. حقایق را دریابیم و از جهل و نادانی دور شویم. درست را از نادرست و حق را از باطل تشخیص دهیم. نام این توانایی «عقل و تفکر» است.

۵۴ ۳ موجودات جهان، پس از پیدایش، در بقای خویش نیز، مانند لحظه‌ی نخست خلق شدن (پیدایش)، به خداوند نیازمند هستند. بنابراین، نیازمندی موجودات به خداوند، در هر دو مرتبه یکسان است.

هر کدام از ما، براساس فطرت خویش، خدا را می‌یابیم و حضورش را درک می‌کنیم. پس از درک نیازمندی جهان به خدا «انتم الفقراء الى الله»، انسان به نیازمندی دائمی به خدا و درخواست پیوسته از او پی می‌برد و همواره با زبان حال، به پیشگاه الهی عرض نیاز می‌کند: «يسألُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ و الْأَرْضِ كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ»

۵۶ ۲ انسان‌های ناآگاه (جاهل) نسبت به نیاز دائمی انسان به خداوند، بی‌توجه‌اند. علت درخواست عاجزانه‌ی پیامبر (ص) از خداوند و درک بیش‌تر فقر و نیاز او، افزایش خودشناسی در ایشان است زیرا هر چه معرفت انسان به خود و رابطه‌اش با خدا بیش‌تر شود (علت)، نیاز به او را بیش‌تر احساس و عجز و بندگی خود را بیش‌تر ابراز می‌کند. (معلول)

۵۷ ۳ قرآن کریم، رابطه‌ی میان خداوند و جهان هستی را با کلمه‌ی «نور» به معنای آن‌چه که خود آشکار است و سبب پیدایی و آشکاری موجودات می‌گردد، بیان می‌دارد: «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ و الْأَرْضِ» از آن‌جا که تمام موجودات، «وجود» خود را از خدا می‌گیرند، پس هر موجودی در حد خودش تجلی‌بخش خداوند است و رؤیت خدا در هستی، امکان‌پذیر است. از این رو امام علی (ع) می‌فرماید: «ما زَأَيْتُ شَيْئاً...»

۵۸ ۴ هر موجودی در حدّ خودش، تجلی‌بخش خداوند و نشانگر علم، قدرت و سایر صفات الهی است؛ از همین رو آنان که با دقت و تأمل در جهان هستی می‌نگرند، در هر چیزی خدا را مشاهده می‌کنند و علم و قدرت او را می‌بینند. بیت زیر از «گلشن راز» مؤید همین مطلب است:

دلی‌کز معرفت نور و صفا دید به هر چیزی که دید، اول خدا دید

۵۹ ۲ ما نمی‌توانیم موضوعات نامحدود را تصور کنیم زیرا لازمه‌ی شناخت هر چیزی، احاطه و دسترسی به آن است. این بخش از حدیث پیامبر (ص): «لا تفكروا فی ذاتِ الله» نیز تفکر در ذات نامحدود خداوند را ناممکن بیان می‌کند و آیه‌ی شریفه‌ی «يسألُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ و الْأَرْضِ كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ» بیان‌کننده‌ی آن است که یک معلول همواره در بقای خود، نیازمند علت است.

۶۰ ۱ براساس حدیث شریف «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِدْمَانُ التَّفَكُّرِ فِي اللَّهِ و فِي قُدْرَتِهِ» برترین عبادت، اندیشیدن مداوم درباره‌ی خدا و قدرت اوست. هر موجودی در حدّ خود، تجلی‌بخش خداوند و نشانگر حکمت، قدرت و سایر صفات الهی است. آنان که به دقت در هستی می‌نگرند، در هر چیزی علم و قدرت خدا را می‌بینند. کلیدواژه‌ی «معرفت» در بیت «دلی‌کز معرفت...» به رسیدن انسان به شناخت خداوند از طریق تأمل و مشاهده‌ی مخلوقات اشاره دارد.

۶۱ ۲ با توجه به آیه‌ی شریفه «يسألُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ و الْأَرْضِ...» جهان و همه‌ی مخلوقات هر لحظه و پیوسته محتاج خداوند متعال هستند و این احتیاج همیشگی و دائمی و در هر «آن» است و این نیاز هیچ‌گاه قطع و یا کم نمی‌شود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) همه‌ی مخلوقات (نه فقط انسان‌ها) دائماً دست نیاز به سوی خداوند دارند. (۳) فیض‌بخشی خداوند به مخلوقات دارای شرط درخواست پیوسته‌ی آنان از خداوند نیست. (۴) خداوند همواره دست‌اندرکار امور همه‌ی مخلوقات است و این امر مشروط به مطالبه‌ی دائمی آنان نیست.



۷۹ ۴ او یک دفتر خاطرات نگه می‌دارد و هر روز صبح وقتی بیدار می‌شود، جزئیات رؤیاهایش را در آن می‌نویسد.

- (۱) قطعه، تکه (۲) یادداشت، نُت
(۳) رمان (۴) دفتر خاطرات

۸۰ ۱ نیکلاس نگروپوتنه، دانشمند کامپیوتر دوران پیشی که سازمان یک لپ‌تاپ برای هر کودک را بنا نهاد، در حال حاضر می‌گوید [که] می‌خواهد «یک میلیارد آخر» انسان‌های روی سیاره‌ی [زمین] را [به اینترنت] وصل کند.

- (۱) پایه‌ریزی کردن، بنا نهادن
(۲) افزایش دادن؛ افزایش یافتن
(۳) اختراع کردن؛ ابداع کردن
(۴) کشف کردن؛ پی بردن به

۸۱ ۱ او هنگامی که موضوع کمک به همکارانش در اداره مطرح می‌شود، محترم، مؤدب و به طور خاص یاری‌رسان است.

- (۱) محترم؛ آمیخته با احترام
(۲) شخصی، خصوصی
(۳) ممکن، امکان‌پذیر
(۴) عمومی، همگانی

۸۲ ۳ افراد دارای مشکلات سلامتی مزمن قبل از آغاز یک برنامه‌ی جسمانی جدید، ابتدا باید با یک پزشک صحبت کنند.

- (۱) بیمار (۲) مربی، معلم
(۳) پزشک، دکتر (۴) دارو؛ پزشکی

۸۳ ۲ او ورزشکاری با معلومات است که یکی از سرشناس‌ترین و موفق‌ترین برندگان مدال در بازی‌های المپیک شده است.

- (۱) پیشگه‌یانه، بازدارنده (۲) سرشناس؛ برجسته؛ متمایز
(۳) تفریحی؛ (مربوط به) سرگرمی (۴) شرطی؛ مشروط، مقید

۸۴ ۴ کودکان در حالی که دمای بدن او را می‌گیرید باید برای مدت کوتاهی بی‌حرکت بنشینند، وگرنه نتیجه، دقیق نخواهد بود.

- (۱) درست کردن؛ باعث ... شدن، مجبور کردن
(۲) نگه داشتن؛ برگزار کردن
(۳) دادن
(۴) بردن؛ گرفتن

توضیح: دمای بدن ... را گرفتن: take temperature

۸۵ ۱ در روزی که خون اهدا می‌کنید، باید مایعات فراوانی بنوشید و باید وعده‌های غذایی عادی خودتان را بخورید.

- (۱) اهدا کردن، بخشیدن
(۲) رحم کردن؛ [وقت، پول] اختصاص دادن
(۳) کسب کردن، به دست آوردن
(۴) بالا بردن؛ افزایش دادن

توضیح: خون اهدا کردن: donate blood

۸۶ ۱ آن‌جا خیلی سرد بود، ولی خوشبختانه آن لباس‌های اضافی را داشتم [که] دقیقاً برای آن موقعیت عالی [بودند]. پس بیرون یخ نزد.

- (۱) اضافی؛ یدکی
(۲) [لباس و غیره] سبک؛ [رنگ] روشن
(۳) گسترده، پهناور
(۴) سخت، دشوار

۷۱ ۱ خداوند به ما یادآوری می‌کند که عاملی درونی، انسان‌ها را برای رسیدن به لذت‌های زودگذر دنیایی به گناه دعوت می‌کند و از پیروی از عقل و وجدان باز می‌دارد. میل سرکشی که در درون انسان طغیان می‌کند و وی را به گناه فرامی‌خواند، «نفس اماره» است.

امام عصر (عج) می‌فرماید: «هیچ چیز مانند نماز بینی شیطان را به خاک نمی‌مالد.»

۷۲ ۲ از آیه‌ی شریفه‌ی «و نفس و ما سَوَّاهَا...» می‌توان دریافت که خداوند انسان را به گونه‌ای آفریده است که می‌تواند زیبایی‌ها و زشتی‌ها را درک کند و با توجه به آیه‌ی شریفه‌ی «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» خداوند ما را صاحب اراده و اختیار آفرید و مسئول سرنوشت خویش قرار داد. سپس راه رستگاری و راه شقاوت را به ما نشان داد تا خود راه رستگاری را برگزینیم و از شقاوت دوری کنیم.

۷۳ ۴ این جمله‌ی قرآنی که می‌فرماید: «خداوند به شما وعده‌ی حق داد اما من به شما وعده‌ای دادم و خلاف آن عمل کردم...»، از زبان شیطان است و همان عامل بیرونی (شیطان) است که خود را برتر از آدمیان می‌پندارد و سوگند یاد کرده که فرزندان آدم را فریب دهد و از رسیدن به بهشت باز دارد.

۷۴ ۱ بر طبق آیه‌ی «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» پس از آن‌که راه هدایت الهی به همه‌ی انسان‌ها نشان داده شد، عده‌ای با اختیار خود راه کفران نعمات الهی را در پیش می‌گیرند: «إِمَّا كَفُورًا» و عده‌ای نیز شاکر می‌مانند: «إِمَّا شَاكِرًا»

۷۵ ۴ با توجه به آیات شریفه‌ی «و نفس و ما سَوَّاهَا، فَأَلْهَمَهَا...» درمی‌یابیم که خداوند بدکاری و تقوایش را به انسان الهام کرده است. یعنی خداوند متعال، شناخت خیر و نیکی و گرایش به آن و شناخت بدی و زشتی و بیزاری از آن را در ما قرار داده تا به خیر و نیکی رو آوریم و از گناه و زشتی بپرهیزیم.

زبان انگلیسی

۷۶ ۲ روان‌شناسان یادگیری را به عنوان [چیزی] بیش‌تر از صرفاً فرآیند کسب معلومات در نظر می‌گیرند.

- (۱) اصرار کردن، پافشاری کردن
(۲) به شمار آوردن، در نظر گرفتن؛ نگرستن
(۳) توصیه کردن به، سفارش کردن به
(۴) انجام دادن؛ اجرا کردن

۷۷ ۳ آزمایشات علمی نشان می‌دهند که در حالی که حافظه‌ی سگ بیش از ۵ دقیقه دوام نمی‌آورد، [حافظه‌ی] گربه می‌تواند تا ۱۶ ساعت دوام داشته باشد.

- (۱) مغز (۲) کارکرد؛ عملکرد
(۳) حافظه؛ خاطره (۴) حقیقت، واقعیت

۷۸ ۴ اگر مجموعه‌ای از متون را در یک موضوع مرتبط بخوانید، متوجه تعداد محدودی از واژگان خواهید شد که بارها تکرار می‌شود.

- (۱) تقویت کردن؛ بالا بردن؛ افزایش دادن
(۲) پایه‌ریزی کردن، بنا نهادن
(۳) در نظر گرفتن؛ لحاظ کردن
(۴) تکرار کردن؛ تکرار شدن



۸۷ ۳

شنوایی دلفین به قدری عالی است که می‌تواند صداهای زیر

آب را از ۱۵ مایل دورتر متوجه شود.

- (۱) بینایی؛ دید
(۲) حس؛ احساس
(۳) شنوایی
(۴) لمس؛ لامسه

در کافه‌ای [در] پاریس در دسامبر [سال] ۱۸۹۵، مردم برای تماشای اولین تصاویر متحرک جهان نشستند. آن توسط دو برادر فرانسوی، لوئی و آگوست لومیر نمایش داده شد، و اگر چه تنها شامل چند صحنه‌ی کوتاه [و] ساده بود، فیلم‌ها از آن زمان محبوب بوده‌اند. اولین فیلم‌ها صامت بودند، با تیتراهای روی صفحه‌ی نمایش تا داستان را توضیح دهد. یک پیانیست فیلم را با نوع به جایی از موسیقی همراه می‌کرد؛ برای مثال، در طول صحنه‌ی تعقیب، [با] موسیقی سریع و خشمگین. ایالات متحده در ساخت فیلم پیش‌تاز شد. خیلی زود مردم شروع به انتخاب بازیگران مرد و بازیگران زن مورد علاقه‌شان کردند، و اولین ستاره‌های سینما مانند رودولف والتینو به وجود آمدند. در سال ۱۹۲۷، اولین فیلم بلند ناطق «فیلم باصدا» به نمایش گذاشته شد و از آن به بعد، مردم به چیز کم‌تری رضایت نمی‌دادند.

۸۸ ۴

توضیح: برای اشاره به عملی که از گذشته تاکنون به طور

پیوسته یا متناوب انجام شده است یا وضعیت و شرایطی که از گذشته تاکنون وجود داشته است، از زمان حال کامل (have / has + p.p.) استفاده می‌کنیم.

دقت کنید: به دلیل جمع بودن “movies” (فیلم‌ها) پیش از جای خالی، در این مورد از “have been” استفاده می‌شود. در این جا به کاربرد “ever” “since” (از آن زمان) که جزء نشانه‌های اصلی زمان حال کامل است نیز توجه کنید.

۸۹ ۳

توضیح: یکی از کارکردهای مصدر با to (در این مورد

“to explain”) بیان هدف و مقصود است.

دقت کنید: “the story” (داستان) مفعول این فعل است و همان‌طور که می‌دانید اصولاً در زبان انگلیسی، مفعول پس از فعل قرار می‌گیرد.

۹۰ ۳

توضیح: طبق مفهوم جمله، حرف اضافه‌ی مناسب در این

مورد “in” است و همان‌طور که می‌دانید بعد از حروف اضافه، فعل یدار می‌شود.

دقت کنید: در این جا، “movies” (فیلم‌ها) نقش مفعول را برای فعل “make” دارد.

۹۱ ۱

(۱) انتخاب کردن، برگزیدن

(۲) درگیر کردن؛ مشارکت دادن

(۳) پایه‌ریزی کردن، بنا نهادن

(۴) وقف کردن؛ اختصاص دادن

۹۲ ۲

(۱) قادر ساختن، توانایی دادن به

(۲) خلق کردن؛ ایجاد کردن؛ به وجود آوردن

(۳) دعوت کردن از

(۴) راهنمایی کردن، هدایت کردن؛ اداره کردن؛ کارگردانی کردن

کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ (که به اختصار “ICRC” نیز نامیده می‌شود) سازمانی است که به مردم در سراسر جهان کمک می‌کند. بنیاد “ICRC” به [سال] ۱۸۵۹ بازمی‌گردد، هنگامی که تاجری سوئیسی به نام آنری دونان نبردی را در حال سفر در ایتالیا نظاره کرد. بعد از پایان نبرد، آقای دونان از دیدن رها شدن سربازان مجروح و در حال مرگ در میدان جنگ شوکه شد. تقریباً هیچ‌کس نمی‌توانست به سربازان در حال مرگ کمک کند. این رنج وحشتناک و غم‌انگیز بود. آقای دونان سعی کرد مقداری کمک را سازماندهی کند. او از مردم محلی درخواست کرد تا از سربازان مجروح و در حال مرگ مراقبت کنند.

بعد از این که آقای دونان به خانه [آش در] سوئیس بازگشت، به سران اروپا [نامه] نوشت. او از آن چه در ایتالیا دیده بود به آن‌ها گفت. او از آن‌ها درخواست کرد تا سازمانی را ایجاد کنند که بتواند به افراد مجروح در دوران‌های جنگ کمک کند. آقای دونان هم‌چنین کمیته‌ای از دوستان، پزشکان و وکلای تشکیل داد. آن‌ها کنفرانسی را در اکتبر [سال] ۱۸۶۳ سازمان دادند. دولت‌ها از سرتاسر اروپا نمایندگان‌شان را به کنفرانس فرستادند. در آخر آن [کنفرانس]، تمام آن‌ها توافق کردند برای فراهم کردن مراقبت بهتر برای آن‌هایی که در جنگ مجروح شده بودند، کمک کنند. افرادی که به مجروحان کمک می‌کردند نیز در امان بودند. آن‌ها بازوبند سفیدی با یک صلیب سرخ می‌بستند تا به وضوح نشان دهند بی‌طرف هستند.

در [سال] ۱۸۶۴، آقای دونان و کمیته‌اش کنفرانس دیگری برگزار کردند. این بار، نمایندگان دولت‌های خارج از اروپا نیز آمدند. آن‌ها توافق‌نامه‌ای که شامل ۱۰ قاعده بود را امضا کردند (که «ماده» نامیده می‌شوند). این تضمین می‌کرد که با تمام سربازان مجروح با احترام و کرامت رفتار شود، حتی در دوران‌های جنگ. این لیست از مواد [قانونی] بعدها به نام کنوانسیون ژنو شناخته شد. سرانجام، سازمان آقای دونان به عنوان کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ شناخته شد. آن امروزه هنوز وجود دارد، و به میلیون‌ها نفر در سراسر جهان کمک کرده است.

۹۳ ۴

طبق متن، آنری دونان بعد از نظاره‌ی یک نبرد شوکه شد

چون که

(۱) سربازان نمی‌خواستند مبارزه کنند

(۲) او فکر می‌کرد ایتالیا محلی صلح‌جو است

(۳) سربازان تلاش می‌کردند تا با مردم محلی مبارزه کنند

(۴) هیچ‌کس به سربازان مجروح کمک نمی‌کرد

۹۴ ۴

کلمه‌ی “roots” (منشأ، بنیاد، اصل) در پاراگراف ۱ به

بهترین شکل می‌تواند توسط “beginning” جایگزین شود.

(۱) تجارت، کسب و کار؛ شرکت

(۲) پایان، آخر؛ فرجام

(۳) کشورها

(۴) آغاز، ابتدا، شروع

۹۵ ۱

طبق متن، چرا افراد [در صلیب سرخ] بازوبند سفید با صلیب

سرخ می‌بستند؟

(۱) تا نشان دهند آن‌ها سربازان دشمن نیستند

(۲) تا نشان دهند که مجروح هستند

(۳) تا نشان دهند که خواستار صلح هستند

(۴) تا نشان دهند که از قواعد پیروی می‌کنند

۹۶ ۲

طبق متن، کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ

(۱) دیگر در اروپا وجود ندارد

(۲) امروزه هنوز وجود دارد

(۳) تنها به اروپایی‌ها کمک می‌کند

(۴) در حال حاضر کنوانسیون ژنو نامیده می‌شود



۱۰۲ ۲ راه‌های رفت:

$$A \rightarrow B \rightarrow E: 2 \times 3 = 6$$

$$A \rightarrow C \rightarrow E: 3 \times 3 = 9$$

$$A \rightarrow D \rightarrow E: 4 \times 2 = 8$$

در راه‌های برگشت، از تعداد راه‌های رفت یکی کم می‌شود:

$$E \rightarrow B \rightarrow A: 2 \times 1 = 2$$

$$E \rightarrow C \rightarrow A: 2 \times 2 = 4$$

$$E \rightarrow D \rightarrow A: 1 \times 3 = 3$$

و در نهایت طبق اصل ضرب تعداد کل حالات برابر است با:

$$6 \times 9 \times 8 \times 2 \times 4 \times 3 = 10368$$

۱۰۳ ۲ طبق اصل ضرب:

$$8 \times 5 \times 3 = 120$$

و می‌دانیم:

$$120 = 5!$$

۱۰۴ ۴ هیچ سوالی نباید بدون جواب بماند، پس برای هر سؤال، چهار

$$4 \times 4 \times 4 \times 4 \times 4 = 4^5 = 1024$$

پاسخ داریم:

۱۰۵ ۱ کلمه «ارومیه» دارای شش حرف متمایز است. برای اولین

جایگاه ۶ حالت و برای هر جایگاه یکی از حالات کم می‌شود:

$$\boxed{6} \times \boxed{5} \times \boxed{4} = 120$$

۱۰۶ ۳

همه‌ی ارقام به‌جز رقم به
کاررفته در صدگان

$$\begin{array}{c} \text{همه‌ی ارقام به‌جز صفر} \\ \downarrow \\ 9 \times 9 \times 8 = 648 \end{array}$$

هشت رقم باقی‌مانده

۱۰۷ ۱

$$\begin{array}{c} \boxed{2} \times \boxed{3} \times \boxed{2} \times \boxed{1} = 12 \\ \downarrow \quad \downarrow \quad \downarrow \quad \downarrow \\ \text{فقط ارقام} \quad \text{همه‌ی ارقام به‌جز رقم به کار} \quad \text{فقط رقم ۵} \\ \text{۲ یا ۱} \quad \text{رفته در یکان میلیون و یکان} \quad \text{دو رقم باقی‌مانده} \end{array}$$

۱۰۸ ۲

$$\boxed{} \times \boxed{} \times \boxed{} \times \boxed{W} \times \boxed{} \times \boxed{} \times \boxed{} = 720$$

حرف W را در وسط قرار می‌دهیم (۱ حالت)، ۶ حرف باقی می‌ماند و ۶ جایگاه، پس $6! = 720$ جایگشت داریم.

۱۰۹ ۴ قسمت اول را به چهار حالت می‌توان رنگ کرد و در قسمت

مجاور قسمت دوم از آن رنگ نمی‌توان استفاده کرد (۳ حالت) و برای بقیه قسمت‌ها هم به همین ترتیب:

$$4 \times 3 \times 2 \times 3 \times 3 \times 3 \times 3 = 4 \times 3^5 = 4 \times 243 = 972$$

۱۱۰ ۱ ش ی را ز

جابه‌جایی (جایگشت) ۳ حرف وسط، ۳! و جابه‌جایی دو حرف «ش» و «ز» در اول و آخر ۲! است. پس در نهایت:

$$3! \times 2! = 3 \times 2 \times 1 \times 2 \times 1 = 6 \times 2 = 12$$

و بلیام شکسپیر یکی از معروف‌ترین نویسندگان در تاریخ جهان است. شکسپیر در [سال] ۱۵۶۴ در انگلستان به دنیا آمد. در طول زندگی‌اش، او بیش از ۵۸ نمایشنامه و بیش از ۱۵۸ شعر نوشت. اگر چه او آن‌ها را بیش از ۴۰۰ سال پیش نوشت، تمام آن‌ها هنوز حتی امروزه بین مردم محبوب هستند. بسیاری از نویسندگان و بازیگران از آثار شکسپیر الهام گرفته‌اند. او استعدادی برای بازگو کردن داستان جالب داشت و هم‌چنین استاد در کنار هم قرار دادن لغات مانند شعر یا ترانه بود. در نتیجه، بسیاری از افراد به شکسپیر به عنوان «سخنور» اشاره می‌کنند. شکسپیر از [سال] ۱۵۸۹ تا ۱۶۱۳ نمایش‌نامه نوشت. ابتدا، او بیش‌تر کمدی می‌نوشت. یکی از شناخته‌شده‌ترین کمدی‌های وی، [کمدی] رام کردن زن سرکش بود. در این داستان، یک مرد به نام پتروکیو با زنی به نام کاترینا ازدواج می‌کند. اگر چه ابتدا او (کاترینا) از او متنفر است، پتروکیو به تدریج عشق و احترام او را به دست می‌آورد. آن‌ها در آخر هر دو به شادی در کنار هم زندگی می‌کنند.

شکسپیر در نیمه‌ی آخر (دوم) حرفه‌اش، تراژدی‌های بسیاری نوشت. معروف‌ترین موارد [تراژدی] وی مکبث و هملت بود. در هر دوی این نمایش‌نامه‌ها، شخصیت‌های اصلی باید با قتل، خیانت و قدرت مواجه شوند. این نمایش‌نامه‌ها در لحن (مضمون) بسیار جدی و خروج بزرگی از کمدی‌های اولیه‌اش هستند.

امروزه، نمایش‌نامه‌های شکسپیر در سراسر جهان اجرا می‌شود. آن‌ها تقریباً به هر زبانی ترجمه شده‌اند. معلمان در بیش‌تر کشورهای انگلیسی [زبان] مدت‌هاست نمایش‌نامه‌های او را در کلاس‌هایشان به دانش‌آموزان تدریس می‌کنند. آن‌ها هم‌چنین در طول سال‌ها تبدیل به فیلم‌های بسیاری شده‌اند. به نظر می‌رسد شهرت شکسپیر به عنوان نویسنده‌ای بزرگ، برای همیشه جاوید می‌ماند.

۹۷ ۱ طبق متن، شکسپیر به عنوان «سخنور» شناخته می‌شود

(۱) به دلیل نگارش زیبایش (۲) چون تنها ترانه می‌نوشت

(۳) چون خواننده‌ی بزرگی بود (۴) چون داستان‌های کمدی می‌نوشت

۹۸ ۴ کلمه‌ی «they» در پاراگراف ۱ به «both plays and poems»

اشاره دارد.

(۱) مردم (۲) فقط اشعار

(۳) فقط نمایش‌نامه‌ها (۴) هم نمایش‌نامه‌ها و هم اشعار

۹۹ ۳ در [نمایش‌نامه‌ی] رام کردن زن سرکش، کاترینا

(۱) پتروکیو را طلاق می‌دهد

(۲) از ابتدا عاشق پتروکیو است

(۳) به جایی می‌رسد که عاشق پتروکیو می‌شود

(۴) پسری به نام پتروکیو دارد

۱۰۰ ۲ طبق متن، نمایش‌نامه‌های شکسپیر

(۱) فقط به انگلیسی اجرا می‌شوند (۲) در مدارس بسیاری تدریس شده‌اند

(۳) همگی بسیار جدی هستند (۴) اخیراً نامحسوب شده‌اند

ریاضیات

۱۰۱ ۴ طبق اصل ضرب داریم:

$$\begin{array}{c} \text{شلوار} \\ \uparrow \\ 3 \times 2 \times 2 = 12 \\ \downarrow \quad \downarrow \\ \text{کفش} \quad \text{پیراهن} \end{array}$$



۱۱۷ ۲ قبل از جایگذاری مقادیر، از اتحادها کمک می‌گیریم تا کارمان ساده‌تر شود:

$$(x^2 - 2y)(x^2 + 2xy + 4y^2) + 8y^3$$

اتحاد چاقی و لاغری!!

$$(x^2)^3 - (2y)^3 = x^6 - 8y^3$$

پس عبارت داده‌شده به صورت $x^6 - 8y^3 + 8y^3 = x^6$ خواهد بود و مقدار

$$x^6 = (\sqrt{3})^6 = \sqrt{3^6} = 3^3 = 27 \quad \text{آن به‌ازای } x = \sqrt{3} \text{ برابر است با:}$$

۱۱۸ ۲

$$x - \frac{1}{x} = 3 \xrightarrow{\text{طرفین به توان ۲}} (x - \frac{1}{x})^2 = (3)^2$$

$$(x)^2 - 2(x)(\frac{1}{x}) + (\frac{1}{x})^2 = 9 \Rightarrow x^2 - 2 + \frac{1}{x^2} = 9$$

$$\Rightarrow x^2 + \frac{1}{x^2} = 9 + 2 \Rightarrow x^2 + \frac{1}{x^2} = 11$$

$$(a+b)^2 = a^2 + 2ab + b^2 \quad ۱۱۹ ۴$$

$$\Rightarrow (5)^2 = a^2 + 2(3) + b^2 \Rightarrow 25 - 6 = a^2 + b^2 \Rightarrow a^2 + b^2 = 19$$

۱۲۰ ۱ عبارت، یک اتحاد جمله‌مشترب و با جمله‌مشترب x^2 است:

$$(x^2 + 5)(x^2 - 1) = (x^2 + 5)(x-1)(x+1)$$

مزدوج

۱۲۱ ۳ ابتدا عبارات را تجزیه می‌کنیم:

$$3x^2 - 3 = 3(x^2 - 1) = 3(x-1)(x+1)$$

$$x^2 - 8x + 7 = (x-7)(x-1)$$

$$x^2 - 2x + 1 = (x-1)^2$$

کوچک‌ترین مضرب مشترک یا همان ک.م.م برابر است با حاصل ضرب عوامل مشترک با بزرگ‌ترین توان در تمام عوامل غیر مشترک.

$$\text{ک.م.م} = 3(x-1)^2(x+1)(x-7)$$

۱۲۲ ۲ عبارت را مرتب و سپس دسته‌بندی می‌کنیم:

$$x^4 - x^3 + x - 1$$

$$= x^3(x-1) + (x-1) \xrightarrow{\text{فاکتور از } x-1} (x-1)(x^3 + 1)$$

چاق و لاغری!

$$= (x-1)(x+1)(x^2 - x + 1)$$

پس عبارت $x^2 + x + 1$ در تجزیه‌ی عبارت فوق وجود ندارد.

۱۲۳ ۲ مجموع اعداد سطر n ام مثلث خیام از رابطه‌ی 2^{n-1} به دست می‌آید:

$$2^6 - 1 = 35 = 32$$

پس مجموع اعداد سطر ششم برابر است با:

۱۲۴ ۴ روش اول:

$$\frac{x^2 + 2x}{x^2 - 4} + \frac{4 - x}{2 - x} = \frac{x(x+2)}{(x-2)(x+2)} + \frac{4-x}{-(x-2)}$$

$$= \frac{x(x+2)}{(x-2)(x+2)} - \frac{4-x}{x-2} = \frac{x(x+2) - (4-x)(x+2)}{(x-2)(x+2)}$$

فاکتور از

$$\frac{(x+2)(x-4+x)}{(x-2)(x+2)} = \frac{(x+2)(2x-4)}{(x-2)(x+2)}$$

$$= \frac{(x+2)2(x-2)}{(x-2)(x+2)} = 2$$

۱۱۱ ۳ به‌جز صفر، ۹ رقم در اختیار داریم که ۵ تای آن‌ها فرد است و چون تکرار مجاز است برای بقیه جایگاه‌ها هر ۹ رقم استفاده می‌شود.

$$\begin{array}{ccccccc} * & * & * & * & * & * & * \\ \downarrow & \downarrow & & \downarrow & \downarrow & \downarrow & \\ 9 & \times & 9 & \times & 9 & \times & 9 \times 5 = 32805 \end{array}$$

۱۱۲ ۳ باید ۲ حالت در نظر گرفت:

حالت (۱) اعداد سه‌رقمی که رقم یکان آن‌ها صفر باشد.

چهار رقم باقی‌مانده

$$\boxed{5} \times \boxed{4} \times \boxed{1} = 20$$

همه‌ی ارقام به‌جز صفر
صفر قرار می‌گیرد.

حالت (۲) اعداد سه‌رقمی که رقم یکان آن‌ها صفر نباشد.

چهار رقم باقی‌مانده

$$\boxed{4} \times \boxed{4} \times \boxed{2} = 32$$

همه‌ی ارقام به‌جز صفر
و رقم به کاررفته در یکان

و در پایان چون یکی از دو حالت (۱) یا (۲) اتفاق می‌افتد، پس طبق اصل جمع $52 = 20 + 32$ عدد خواهیم داشت.

۱۱۳ ۲

$$\frac{(n-2)!}{n!} = \frac{1}{12} \Rightarrow \frac{(n-2)!}{n(n-1)(n-2)!} = \frac{1}{12}$$

$$\Rightarrow \frac{1}{n(n-1)} = \frac{1}{12} \Rightarrow n(n-1) = 12$$

$$\Rightarrow n^2 - n - 12 = 0 \Rightarrow (n+3)(n-4) = 0$$

$$\Rightarrow \begin{cases} n+3=0 \Rightarrow n=-3 \text{ (غقی)} \\ n-4=0 \Rightarrow n=4 \text{ (ققی)} \end{cases}$$

$$4! = 4 \times 3 \times 2 \times 1 = 24$$

۱۱۴ ۴

$$4! = \text{جایگشت چهار کتاب ادبی متمایز}$$

$$3! = \text{جایگشت سه کتاب هنری متفاوت}$$

$$\Rightarrow 4! \times 3! = 4 \times 3 \times 2 \times 1 \times 3 \times 2 \times 1 = 144$$

مینا فاطمه مهسا مریم

۱۱۵ ۱

چون قرار است مهسا و مریم کنار هم باشند، آن‌ها را دسته‌بندی کرده و ۱ شیء حساب می‌کنیم. حال کلاً ۳ شیء داریم که تعداد جایگشت آن‌ها $3!$ است و از طرفی جایگشت مهسا و مریم در داخل دسته‌بندی نیز $2!$ است، پس طبق اصل ضرب داریم:

۱۱۶ ۳

$$9x^2 - 30x + 16 + ? = (3x - a)^2$$

$$= (3x)^2 - 2(3x)(a) + (a)^2 = 9x^2 - 6xa + a^2$$

$$\Rightarrow -6xa = -30x \xrightarrow{\text{ساده کردن}} a = 5 \Rightarrow a^2 = 25$$

حال باید ببینیم به ۱۶ چند واحد اضافه کنیم که برابر ۲۵ گردد:

$$16 + ? = 25 \Rightarrow ? = 25 - 16 = 9$$



۱۳۱ الف ۴

۳۹ عددی اول است. فارسی زبان رسمی ایران است.
نادرست درست

پس ترکیب دوشروطی آن‌ها نادرست است.

(ب)

۵ زوج است. صفر گویا نیست.
نادرست نادرست

پس ترکیب دوشروطی آن‌ها درست است.

۱۳۲ ۱ در گزاره‌ی شرطی:

$$(\underbrace{\sim p \Rightarrow q}_{\text{مقدم}}) \Rightarrow (\underbrace{r \Rightarrow s}_{\text{تالی}})$$

می‌دانیم در گزاره‌ی شرطی اگر تالی درست باشد، ارزش آن گزاره همواره درست است.

۱۳۳ ۳ الف هر دو گزاره درست هستند، پس ارزش گزاره در کل درست است.

(ب) مقدم نادرست و تالی درست است، پس در کل به انتفای مقدم ارزش گزاره‌ی شرطی درست است.

(ج) مقدم درست و تالی نادرست است، پس ارزش گزاره‌ی شرطی نادرست است.

توجه: $\sqrt{3} \approx 1.732$

۱۳۴ ۴ همه‌ی حالات ممکن را بررسی می‌کنیم:

p	q	$\sim p$	$\sim q$	$\sim p \vee \sim q$	$\sim(p \vee q)$	$(\sim p \vee \sim q) \Leftrightarrow \sim(p \vee q)$
د	د	ن	ن	ن	ن	د
د	ن	ن	د	د	ن	ن
ن	د	د	ن	د	ن	ن
ن	ن	د	د	د	د	د

بنابراین تنها گزینه‌ی (۴) صحیح نیست.

۱۳۵ ۲

p	q	$p \vee q$	$q \Rightarrow p$	$(p \vee q) \wedge (q \Rightarrow p)$	$((p \vee q) \wedge (q \Rightarrow p)) \Leftrightarrow q$
د	د	د	د	د	د
د	ن	د	د	د	ن
ن	د	د	ن	ن	ن
ن	ن	ن	د	ن	د

پس گزاره‌ی فوق در دو حالت دارای ارزش درست خواهد بود.

اقتصاد

۱۳۶ ۱ الف با توجه به معنی آیه متوجه می‌شویم اسلام به عنوان

کامل‌ترین دین به دنبال سعادت بشر بوده، اما دنیا و آخرت را در کنار هم ارزشمند می‌داند.

(ب) دولت‌ها به عنوان بازیگران کلان در عرصه‌ی اقتصاد، اقدامات مختلفی در جهت ایجاد نظم و انضباط اقتصادی انجام می‌دهند؛ مانند رونق بازار، مبارزه با تورم، سیاست‌گذاری، تولید و عرضه‌ی برخی کالاها، نظارت بر کیفیت و قیمت کالاها و ...

روش دوم: می‌توانیم به جای X یک عدد دلخواه، به شرط آن‌که مخرج را صفر نکند، قرار دهیم، مثلاً $X = 3$:

$$\frac{(3)^2 + 2(3)}{(3)^2 - 4} + \frac{4-3}{2-3} = \frac{15}{5} + \frac{1}{-1} = 3 - 1 = 2$$

۱۲۵ ۳ مخرج‌ها را تجزیه می‌کنیم:

$$a^2 + 4a + 3 = (a+3)(a+1)$$

$$a^2 - a - 2 = (a-2)(a+1)$$

ک.م.م مخرج‌ها عبارت $(a+1)(a-2)(a+3)$ خواهد بود:

$$\frac{(a+1)(a+3) + (a+3)(a-2) - 3(a+3)}{(a+1)(a-2)(a+3)} \quad \text{فاکتور از } a+3$$

$$\frac{(a+3)(a+1+a-2-3)}{(a+1)(a-2)(a+3)} = \frac{(a+3)(2a-4)}{(a+1)(a-2)(a+3)} \\ = \frac{2(a-2)}{(a+1)(a-2)} = \frac{2}{a+1}$$

۱۲۶ ۴ گزاره‌ی p نادرست است، بنابراین $p \Rightarrow q$ به انتفای مقدمدرست است و در نتیجه ترکیب فصلی $(p \Rightarrow q) \vee (q \Rightarrow p)$ همواره درست است.۱۲۷ ۳ اگر از ۸ گزاره، ۳ گزاره را کنار بگذاریم، $8-3=5$ گزاره خواهیم داشت کهتعداد حالات ارزشی آن‌ها برابر است با: $2^5 = 32$

$$256 - 32 = 224$$

۱۲۸ ۴ اگر درست را T و نادرست را F با نشان دهیم، خواهیم

داشت:

$$p: F \rightarrow \sim p: T$$

$$\sim q: F \rightarrow q: T$$

$$r: \text{دلخواه} \rightarrow \sim r: \text{دلخواه}$$

(الف)

$$(\sim(\sim p) \wedge r) \equiv (\sim T \wedge r) \equiv (F \wedge r) \equiv F$$

چون ارزش این عبارت نادرست است دیگر نیازی به تعیین ارزش عبارت بعدی نیست، زیرا در ترکیب عطفی وقتی ارزش یک گزاره نادرست باشد، ارزش کل گزاره، نادرست خواهد بود.

(ب)

$$((\sim q \wedge r) \wedge r) \equiv ((F \wedge r) \wedge r) \equiv (F \wedge r) \equiv F$$

و باز چون ارزش این گزاره نادرست است، ترکیب عطفی آن با هر گزاره‌ای نادرست خواهد بود.

۱۲۹ ۲ می‌دانیم عکس نقیض ترکیب شرطی $p \Rightarrow q$ برابر $\sim p \Rightarrow \sim q$ است، که با آن هم‌ارز است.

$$(p \wedge q) \Rightarrow \sim p \equiv (\sim p) \Rightarrow \sim(p \wedge q) \stackrel{\text{قانون دمورگان}}{=} p \Rightarrow (\sim p \vee \sim q)$$

۱۳۰ ۱ ترکیبی شرطی تنها وقتی نادرست است که مقدم درست و تالی

نادرست باشد. پس چون $p \wedge q$ درست است نتیجه می‌گیریم که p و q هر دو درست هستند.



۱۳۷ ۳ تصمیماتی که انسان درباره‌ی مسائل اقتصادی خود می‌گیرد، ریشه در نیازها و خواسته‌های نامحدود او دارد و از طریق به کارگیری منابع و امکانات محدود و در دسترس امکان‌پذیر می‌شود.

۱۳۸ ۲ خدمات (محصولات نرم) فیزیکی و ملموس نیستند، اما دارای مفهوم اقتصادی هستند، یعنی ارزش مبادلاتی دارند و قادر به رفع یکی از نیازهای انسان می‌باشند بنابراین دارای ارزش بوده و خرید و فروش می‌شوند.

۱۳۹ ۴ الف

نیروی انسانی } در کشاورزی: نیروی کار یا کارگر ساده
در صنعت: نیروی انسانی } کارگر ساده
متخصص
کارفرما

منابع طبیعی یا عامل زمین } در کشاورزی: زمین و آب
در صنعت: مواد اولیه

سرمایه‌ی فیزیکی و مالی } در کشاورزی: انبار و سردخانه (سرمایه‌ی فیزیکی)
در صنعت: ماشین‌آلات صنعتی (سرمایه‌ی فیزیکی)

سرمایه } مالی: سود حاصل از مشارکت
فیزیکی: اجاره یا قیمت سرمایه

نیروی انسانی } حقوق
دستمزد

منابع طبیعی } اجاره یا بهای زمین

۱۴۰ ۲ الف سود مندرج در اظهارنامه‌ی مالیاتی همان سود ویژه است که از فرمول زیر به دست می‌آید:

$$\text{مجموع هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم} - \text{درآمد} = \text{سود ویژه}$$

$$45,000 = 12,000 - (8,000 + X + 3,000 + 2,000 + 25,000)$$

هزینه‌ی غیرمستقیم هزینه‌ی مستقیم

قیمت خرید مواد اولیه‌ی سالانه میلیون دلار ۱۹,۰۰۰ = X

ب)

$$\text{هزار دلار } 60 = \frac{12,000}{2,000} = \frac{\text{کل درآمد}}{\text{تعداد محصول}}$$

قیمت هر واحد کالا

۱۴۱ ۴ انسان قدرت خلق اشیاء را ندارد.

۱۴۲ ۱ بهره‌برداری از محصول آماده‌ی طبیعت با عنوان حیات نامیده می‌شود (زالوی ماده‌ی باردار موجود در طبیعت) و به تولید رساندن منابع و محصولات طبیعی با کار و تلاش انسان احیاء نامیده می‌شود (پرورش و تکثیر زالوی طبی).

۱۴۳ ۳ نوع سوم تولید، محصولاتی هستند که محسوس و ملموس نیستند و «محصول نرم» به شمار می‌روند که نام دیگر آن نیز خدمات است، البته به عنوان تولید دارای ارزش اقتصادی نیز هستند و مورد خرید و فروش قرار می‌گیرند.

۱۴۴ ۴ گاهی سازمان تولید مشارکتی است و همه‌ی عوامل تولید صاحب محصول یا ارزش آن هستند. هم‌چنین میزان منافع، هزینه‌ها و ریسک ناشی از تولید نیز به نسبت سهم هر یک از سهام‌داران بین همه تقسیم می‌شود.

۱۴۵ ۲ سرمایه‌ی مالی همان هزینه‌های تولید نیست.

سرمایه‌ی مالی نقش مستقیم در تولید ندارد.

به سرمایه‌ی مالی اجاره تعلق پیدا نمی‌کند، زیرا «ربا» محسوب می‌شود.

عامل انسانی هم می‌تواند «صاحب تولید» شود و هم می‌تواند دستمزد بگیرد و در سود و زیان شریک نشود.

علوم و فنون ادبی

۱۴۶ ۲ مشتاق اصفهانی در زمان نادر شاه و کریم خان زند، با همراهی

چند تن دیگر از ادیبان انجمن ادبی اصفهان را اداره می‌کرد.

۱۴۷ ۲ میرزا محمدصادق امیری فراهانی که بعدها از جانب مظفرالدین

شاه به «ادیب‌الممالک» ملقب شد، فعالیت اصلی‌اش روزنامه‌نگاری بود. وی سردبیری روزنامه‌ی «مجلس» را برعهده داشت. شعر ادیب از زندگی سیاسی او جدا نبود و دیوان او شامل قصاید، ترجیع‌بندها و مسط‌هایی است که بسیاری از حوادث و اوضاع آن روزگار را بیان می‌کنند. وی در قصیده بیش‌تر از قالب‌های دیگر طبع‌آزمایی کرده است و مضامین وطنی، سیاسی و اجتماعی در شعرش آشکارتر است.

۱۴۸ ۴ از نمونه‌های اشعار انتقادی «سید اشرف‌الدین گیلانی» شعر

«ای قلم» است که با بیت «غلغلی انداختی در شهر تهران ای قلم/ خوش حمایت می‌کنی از شرع قرآن ای قلم» آغاز می‌شود.

۱۴۹ ۲ گروهی از شاعران دوره‌ی بازگشت، به قصیده‌سرایی به سبک

شاعران خراسانی و عهد سلجوقی پرداختند؛ افرادی مانند صباى کاشانی، قائنی شیرازی و سروش اصفهانی از این گروه‌اند. گروه دیگر غزل‌سرایی به سبک حافظ، سعدی و دیگر شاعران سبک عراقی را پیش گرفتند. شاعرانی مانند مجمر اصفهانی، فروغی بسطامی و نشاط اصفهانی از این گروه‌اند.

۱۵۰ ۲ ایرج میرزا در به‌کارگیری تعبیرات عامیانه و آفریدن اشعاری

ساده و روان مهارت بسیار داشت. در طنز، هجو و هزل چیره‌دست بود. در شعر وی اگرچه اندیشه‌های نوگرایانه وجود دارد، ولی جایگاه خانوادگی (از نوادگان فتحعلی شاه قاجار) و تفکرات شخصی او، مانع از آن می‌شود که وی در ردیف شاعران آزادی‌خواه مشروطه قرار گیرد.

۱۵۱ ۲ شمس‌الدین و قمر: میرزا حسن خان بدیع

شمس و طغرا: محمدباقر میرزا خسروی

۱۵۲ ۴ عبارت سؤال معرف علامه علی‌اکبر دهخدا، نگارنده‌ی کتاب

ارزشمند «لغت‌نامه» است.

۱۵۳ ۴ بیت سؤال از سروده‌های معروف «ادیب‌الممالک میرزا

محمدصادق امیری فراهانی» است.

۱۵۴ ۴ برعکس در عصر بیداری به دلیل تمرکز عمده‌ی فعالیت‌های

سیاسی و مطبوعاتی در تهران، شعر و ادب هم در پایتخت جلوه‌ی بیش‌تری داشت.

۱۵۵ ۱ ایرج میرزا از شعرهای غربی نیز ترجمه‌هایی منظوم پدید آورده

است که در نوع خود ابتکاری محسوب می‌شود؛ قطعه‌ی «قلب مادر» یکی از این نمونه‌هاست که با بیت «داد معشوقه به عاشق پیغام / که کند مادر تو با من جنگ» آغاز می‌شود.



۱۵۶ ۱) فَرّخی یزدی از شاعران شاخص عصر بیداری است که او را به سبب آزادی‌خواهی، به زندان انداختند. تحت تأثیر شاعران گذشته، به ویژه مسعود سعد و سعدی بود. آشنایی با سعدی طبع فَرّخی را شکوفا ساخت. در دوره‌ی هفتم مجلس نماینده‌ی مردم یزد شد؛ ولی دست از اندیشه‌های پرشور آزادی‌خواهانه و وطن‌دوستانه برنداشت و در نهایت جان‌ش را در راه آزادی فدا کرد.

۱۵۷ ۳) مجله‌ی «نوبهار» با مدیریت ملک‌الشعرای بهار به چاپ می‌رسید و میرزا یوسف خان اعتصامی آشتیانی (پدر پروین اعتصامی) منتشر کننده‌ی مجله‌ی «بهار» بود.

۱۵۸ ۲) مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی (۲): ضرورت توکل به خداوند

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) گله از بی‌وفایی معشوق

(۳) ناشکیبایی و ناتوانی عاشق در برابر سختی‌ها

(۴) گدازنده و هولناک بودن غم عاشق

۱۵۹ ۲) مفهوم گزینه‌ی (۲): گله از بی‌توجهی ممدوح به زیردستان
مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها: ناتوانی انسان از شناخت و وصف خداوند

۱۶۰ ۱) مفهوم گزینه‌ی (۱): پشتیبانی معشوق به عاشق، موجب آرامش و امنیت خاطر است.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۲) ترک تعلقات دنیوی

(۴) تسلیم و دردمندی / اثرگذاری آه مظلوم

۱۶۱ ۲) در این گزینه نشانه‌های پرکاربرد و هنری زبان مانند آرایه‌های ادبی وجود ندارد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) تشبیه: جهان به شب / تصویر مصراع اول به تصویر مصراع دوم / تضاد: شب ≠ روز

(۳) تشبیه: او به پلنگ / کنایه: ران افشردن

(۴) تشبیه: رزمگه به دریای خون / خون به دریا

۱۶۲ ۴

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) جان‌بخشی به حُسن و ابر

(۲) مورد خطاب قرار گرفتن ردا و این‌که ردا از دوش شاعر دست بردارد.

(۳) حیران بودن عشق و نسبت دادن دانستن و ندانستن آن

۱۶۳ ۳

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) خزان درد / بهار عافیت (اضافه‌ی تشبیه‌ی)

(۲) زنجیر جنون / حصار عافیت (اضافه‌ی تشبیه‌ی)

(۴) بار عافیت (اضافه‌ی تشبیه‌ی)

۱۶۴ ۳

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) دشمنان ≠ دوستان / پست ≠ والا

(۲) غم ≠ شادی

(۴) درد ≠ درمان

۱۶۵ ۳) پدر، پسر (رابطه‌ی تناسب)

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) فصل، سال

(۲) صبا، باد

(۴) سبز، رنگ

۱۶۶ ۴) مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی (۴): لزوم تناسب رفتار

و سخن با مخاطب

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) افشای راز

(۲) کودکانه دانستن سخن مخاطب

(۳) خطرآفرین بودن عشق

۱۶۷ ۳) مفهوم گزینه‌ی (۳): برتری معشوق بر زیبایی‌های طبیعت

مفهوم مشترک عبارت سؤال و سایر گزینه‌ها: توصیف طبیعت در فصل بهار

۱۶۸ ۳) در این گزینه واژه‌ی «قاتل» در معنی «گُشنده» برای غیر

انسان به کار رفته است.

۱۶۹ ۳

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) شاخ

(۲) اشتر

(۴) بنگریست

۱۷۰ ۲) «را» در این گزینه در معنی حرف اضافه به کار رفته و در سایر

گزینه‌ها نشانه‌ی مفعول است.

۱۷۱ ۳) دلیل نام‌گذاری سبک «عراقی» این است که بعد از حمله‌ی مغول کانون‌های فرهنگی از خراسان به عراق عجم منتقل شد.

مغول کانون‌های فرهنگی از خراسان به عراق عجم منتقل شد.

۱۷۲ ۲) نثر در این دوره بیش‌تر به دو جریان گرایش پیدا کرد: یکی:

«ساده‌نویسی» در آثاری مثل طبقات ناصری و مرصادالعباد و دیگر:

«پیچیده‌نویسی»، با محتوای عمدتاً تاریخ حاکمان وقت که در آثاری هم‌چون

تاریخ و صاف و تاریخ جهان‌گشای جوینی دیده می‌شود.

۱۷۳ ۲) جامی در کتاب «نفحات‌الانس» خود شیوه‌ی «تذکرة‌الاولیاء»

عطار را در بیان حقایق عرفانی و ذکر احوال عارفان به کار برد.

۱۷۴ ۳) صدپند رساله‌ای طنزآمیز از عبید زاکانی است.

۱۷۵ ۴) المعجم فی معاییر اشعارالعجم، از نخستین و مهم‌ترین آثار در

علم عروض، قافیه، بدیع و نقد شعر است

۱۷۶ ۲) مثنوی جمشید و خورشید: سلمان ساوجی

۱۷۷ ۱) مرصادالعباد منشور است. کتاب‌های نام برده در سایر گزینه‌ها

منظوم هستند.

۱۷۸ ۲

یار مرا / غار مرا / عشق جگر / خوار مرا یار تویی / غار تویی / خواجه نگه / دار مرا

۱۷۹ ۳) امتداد هجاهای مصراع سؤال:

سا قی بِ دِ اَنْ شَ را بِ رو حا نی را

- - - - - U - - - - -

- - - - - U - - - - -

- - - - - U - - - - -



۱۸۰ ۳

ک	نق	شی	دب	گ	رش	جا	بی	م	وَر	می	شَد	ود
-	U	-	-	U	-	-	-	U	-	-	U	-
نق	ش	او	در	چشم	م	ما	هر	رو	ز	حُش	تر	می
-	U	-	-	U	-	-	-	-	U	-	-	U

غِب	ز	تَم	کُو	یَد	نَ	گُو	یَم	بَا	حَ	رِب	فَا	رَا	ز	خِش
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-
بَا	ز	مِ	بِی	نَم	ک	دَر	آ	فَا	ق	دَف	تَر	مِ	شَد	ود
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-

زبان عربی (اختصاصی)

■ درست‌ترین و دقیق‌ترین جواب را در ترجمه، یا لغات یا مفهوم مشخص کن (۱۸۶ - ۱۸۱):

۱۸۱ ۲ کانت ... تجمع: جمع می‌کرد [رد گزینه‌های (۱) و (۳)]

الأُم: مادر [رد گزینه (۳)، «مهربان» اضافی است.]

ملابس طفلیها: لباس‌های کودکش [رد گزینه (۴)]

بکَل سرور: با تمام شادی [رد سایر گزینه‌ها]

ثَبِیْزَه: به او نگاه می‌کرد [رد گزینه‌های (۱) و (۳)]

تَزَعَمَ: گمان می‌کرد [رد سایر گزینه‌ها]

أَنَّهُ نائم: که او خواب است [رد گزینه‌های (۱) و (۴)]

۱۸۲ ۴ نَمَت: رشد کردند [رد گزینه‌های (۱) و (۳)]

غصون تلك الشجرة: شاخه‌های آن درخت [رد گزینه (۳)]

الزَّبیع: بهار [رد گزینه (۲)]

لبست: به تن کرد، پوشید [رد گزینه (۱)]

۱۸۳ ۱ العظام: استخوان‌ها / الطینه: گل

۱۸۴ ۳ بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) رَحِیصَة (ارزان) ≠ الغالیَة (گران)

(۲) مسموحاً (مجاز) ≠ ممنوعاً (ممنوع)

(۴) الیسار (چپ) ≠ الیمین (راست)

۱۸۵ ۲ ترجمه گزینه‌ها:

(۱) حیا (شرم) - عفت - ادب (۲) طلا - همتایان - پیکر

(۳) بیماری - درمانگاه - پرستار (۴) بیماری - شفا (بهبودی) - سلامتی

۱۸۶ ۴ ترجمه عبارت سؤال: «ارزش هر انسان به آن چیزی است که

آن را به خوبی انجام می‌دهد.»

مفهوم: انسان باید هر کاری که قصد انجام دادن آن را دارد، نیکو انجام دهد.

(کار نیک با نیک انجام دادن آن کار با هم فرق دارد؛ کیفیت انجام کار، بهتر و

مهم‌تر از کمیت آن است.)

■ گزینه مناسب را در پاسخ به سؤالات زیر مشخص کن (۱۹۰ - ۱۸۷):

۱۸۷ ۴ بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) أَكْفَاء ← الْكُفُو (نظیر، همتا، مشابه)

(۲) الْأَجْرَام ← جَرَم (توده، پیکر)

(۳) الْأَشْعَار ← شِعْر (شعر)

۱۸۸ ۱

«لَا تَضْرُخْنَ: فریاد نزنید» فعل مضارع نهی در صیغه «للمخاطبات» است.

۱۸۹ ۳

با توجه به «أیتها» کلمه‌ای که در جای خالی اول می‌آید، باید مؤنث باشد [رد گزینه (۱)] و چون «کَنْ» بر جمع مؤنث دلالت دارد، در جای خالی دوم، فعل در صیغه جمع مؤنث می‌آید. [رد سایر گزینه‌ها]

۱۹۰ ۱

ضمیر «ه» در فعل «صَنَعَه» نادرست است؛ زیرا مرجع آن کلمه «الجُسر» جمع غیرعاقل است و ضمیر آن به صورت مفرد مؤنث یعنی «ها» صحیح است (صَنَعَهَا).

ترجمه: این پُل‌ها قرن‌ها پیش ساخته شده‌اند؛ آیا می‌دانید چه کسی آن‌ها را ساخته است؟

تاریخ

۱۹۱ ۱

امیرکبیر برای رشد آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی مردم و توسعه‌ی فکری و فرهنگی جامعه، روزنامه‌ی وقایع اتفاقیه را منتشر کرد.

۱۹۲ ۳

ایجاد دارالطباعه‌ی دولتی و دارالترجمه‌ی همایونی در زمان ناصرالدین شاه بود. محمد حسن خان اعتماد السلطنه، از مورخان مشهور عصر قاجار، یکی از چهره‌های برجسته‌ی فرهنگی این دوره بود که به ریاست دارالترجمه‌ی همایونی برگزیده شد.

۱۹۳ ۱

در شیوه‌ی تاریخ‌نگاری نوین، تاریخ‌نویسان و پژوهشگران با استفاده از روش تحقیق علمی مورد (الف)، بهره‌برداری از منابع و اسناد و مدارک معتبر و گزینش و نقد آن‌ها مورد (ب)، رویدادهای تاریخی را ارزیابی می‌کردند و یافته‌های علمی خود را به زبانی ساده می‌نوشتند.

اساس کار تاریخ‌نگاری سنتی، بررسی زندگی پادشاهان و شرح فتوحات آنان بود، اما در تاریخ‌نویسی نوین، جنبه‌های گوناگون حیات انسانی اعم از سیاسی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بررسی می‌شود.

۱۹۴ ۳

منابع پژوهش دوره‌ی معاصر تاریخ ایران نسبت به دوران پیش از آن، کثرت و تنوع فراوانی دارند. عمده‌ترین منابع مهم این دوره شامل انواع کتاب‌ها (تاریخی، ادبی، خاطرات، سفرنامه‌ها، زندگی‌نامه‌ها (تراجم) و ...؛ نشریات (روزنامه‌ها و مجلات)؛ اسناد و منابع آرشیوی، بناها، وسایل و ابزارها است.

۱۹۵ ۲

میرزا مهدی‌خان استرآبادی مورخ دربار نادرشاه افشار بود. میرزا محمد صادق موسوی نویسنده‌ی تاریخ گیتی‌گشا، تاریخ زندیه را با اسلوبی مصنوع و دشوار همراه با تملق‌گویی از فرمانروایان زند نوشت.

۱۹۶ ۴

یکی از پیشگامان انتقاد به تملق و متکلف‌نویسی، خاوری شیرازی مورخ مشهور زمان فتحعلی‌شاه و نویسنده‌ی تاریخ ذوالقرنین است. او به حقیقت‌نویسی و مختصرنویسی علاقه نشان داد و تملق‌گویی را نکوهش کرد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) میرزا محمد جعفر خورموجی

(۲) میرزا آقاخان کرمانی

(۳) اعتماد السلطنه

۱۹۷ ۴

تاریخ‌نگاری سنتی، ادامه‌ی وقایع‌نگاری‌ها و مجلس‌نویسی‌های دوره‌ی صفوی و پیش از آن محسوب می‌شود. مورخان سنتی اغلب اهل شعر و ادب بودند و آثار خود را با خصوصیات ادبی تألیف می‌کردند.

**بررسی سایر گزینه‌ها:**

(۱) بی‌توجهی به زندگی اجتماعی و حیات فرهنگی و اقتصادی مردم، از ویژگی‌های تاریخ‌نگاری سنتی بود.

(۲) تأکید بر مصنوع و متکلف‌نویسی و پرهیز از ساده‌نویسی، از ویژگی‌های تاریخ‌نگاری سنتی بود.

(۳) بی‌توجهی به علل و نتایج رویدادها و تحولات تاریخی، از ویژگی‌های تاریخ‌نگاری سنتی بود.

(۲) ۱۹۸ اسناد تاریخی از مهم‌ترین منابع پژوهش تاریخی به شمار می‌آیند و شامل کلیه مکاتبات حکومتی، فرمان‌ها، معاهدات سیاسی، نامه‌های شخصی و اداری، اسناد مالی و قضایی، گزارش‌های اقتصادی، فرهنگی، نظامی و حقوقی می‌شوند.

(۳) ۱۹۹ نشریات از طریق آگاهی‌بخشی عمومی، تأثیرات فکری، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی زیادی بر جامعه‌ی ایرانی گذاشتند.

(۴) ۲۰۰ محمد حسن‌خان اعتماد السلطنه، اگر چه تاریخ‌نویسی درباری بود، با آگاهی از روش و بینش تاریخ‌نگاری اروپایی، گام‌های بلندی در حوزه‌ی تاریخ‌نویسی عصر قاجار برداشت.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) میرزا فتحعلی‌خان آخوندزاده

(۲) محمد حسن‌خان اعتماد السلطنه، تاریخ‌نویسی درباری بود.

(۳) خاوری شیرازی

(۳) ۲۰۱ به طور کلی، مراحل کار باستان‌شناسان عبارت است از:

کشف و شناسایی، حفاری و استخراج و تنظیم اطلاعات

(۱) ۲۰۲ رویدادهای تاریخی دور از دسترس‌اند و قابل مشاهده نیستند و نمی‌توان آن‌ها را به طور مستقیم درک کرد، بلکه باید با استفاده از شواهد و مدارک آن‌ها را شناخت.

(۳) ۲۰۳ محتوای سنگ‌نوشته‌های بیستون و تخت‌جمشید نشان می‌دهند که گاه‌شماری خورشیدی - قمری بابلی در قلمرو هخامنشیان رواج داشته است.

(۲) ۲۰۴ پژوهش در تاریخ دارای مراحل است که عبارت‌اند از:

۱- انتخاب موضوع ۲- تدوین پرسش‌های تحقیق ۳- شناسایی منابع ۴- گردآوری و تنظیم اطلاعات ۵- تحلیل و تفسیر اطلاعات ۶- گزارش یافته‌های پژوهش

(۴) ۲۰۵ در دوره‌ی اشکانیان، گاه‌شماری‌های بابلی، سلوکی و اوستایی متداول بود.

(۱) ۲۰۶ انسان در تاریخ، نقش محوری و اساسی دارد و رویدادها و تحولات تاریخی در نتیجه‌ی کنش (عملکرد و اقدام) متقابل انسان‌ها با یک‌دیگر و با طبیعت، پدید آمده‌اند. نهادها، جوامع، کشورها و در یک کلام تمدن نیز پیامد کنش‌های فردی و جمعی انسان‌ها است.

(۲) ۲۰۷ علم تاریخ صرفاً به توصیف و شرح زندگانی و اقدامات فرمانروایان و امور سیاسی و نظامی محدود نمی‌شود؛ بلکه همه‌ی ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، هنری و ... جوامع گذشته را دربر می‌گیرد. به همین دلیل در پژوهش‌های نوین تاریخی، تمام جنبه‌های زندگی مردمان و جوامع گذشته مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد.

(۲) ۲۰۸ ابن خلدون، اندیشمند مسلمان تونس‌ی که در قرن ۸ هـ.ق. می‌زیست، بخشی از مقدمه‌ی کتاب العبر خود را به تأثیر جغرافیا و اقلیم بر تاریخ، اخلاق و رفتار آدمیان اختصاص داده است.

(۴) ۲۰۹ باستان‌شناسی هم‌چنین کمک شایانی به مطالعه‌ی دوره‌ی تاریخی کرده است. منابع نوشتاری (مکتوب) برای شناخت کامل این دوره، مخصوصاً اوایل آن، کافی نیستند. از سوی دیگر، عمده‌ی اطلاعات منابع نوشتاری، مربوط به رویدادهای سیاسی و نظامی و شرح اقدامات فرمانروایان است.

(۴) ۲۱۰ گاهی برخی از آثار و بناهای تاریخی به صورت اتفاقی و اغلب در نتیجه‌ی فعالیت‌های کشاورزی و عمرانی و یا بروز پدیده‌های طبیعی مانند سیل و زمین‌لرزه، از دل زمین نمایان شده و نظر باستان‌شناسان را به خود جلب کرده‌اند.

(۱) ۲۱۱

بررسی گزینه‌ها:

(۱) تکن‌نگاری - تاریخ سلسله‌ای (۲) تاریخ منظوم - تاریخ منظوم

(۳) تاریخ منظوم - تاریخ عمومی (۴) تاریخ منظوم - تاریخ سلسله‌ای

(۳) ۲۱۲ از برجسته‌ترین منظومه‌های حماسی و تاریخی، اثر گران‌سنگ و بلندآوازه‌ی شاهنامه‌ی حکیم ابوالقاسم فردوسی است.

نکته: دیوان حافظ و بوستان سعدی از متون ادبی به شمار می‌آیند نه تاریخ منظوم.

(۴) ۲۱۳ در عهد سامانیان، ترجمه و تلخیصی از تاریخ طبری با عنوان تاریخ بلعمی توسط ابوعلی بلعمی انجام گرفت که از کهن‌ترین تاریخ‌های عمومی به زبان فارسی شمرده می‌شود.

(۴) ۲۱۴ مشرکان ابوطالب، رئیس طایفه‌ی بنی‌هاشم را در تنگنا قرار دادند که برادرزاده‌ی خود را وادار به دست کشیدن از عقایدش نماید و یا او را به آنان بسپارد.

(۱) ۲۱۵ در روش تاریخ‌نگاری ترکیبی، مورخ به جای ذکر همه‌ی روایات درباره‌ی یک موضوع، با مطالعه و مطابقت همه‌ی روایت‌ها، یک گزارش واحد از آن‌ها تنظیم می‌کند.

(۲) ۲۱۶ از برجسته‌ترین چهره‌های تاریخ‌نگاری ترکیبی می‌توان به بلاذری (قرن سوم هجری) صاحب کتاب فتوح البلدان و دینوری (متوفای ۲۹۰ ق) نویسنده‌ی کتاب اخبار الطوال اشاره کرد.

(۳) ۲۱۷ قبیله‌ی قریش به سبب در اختیار داشتن اداریه‌ی کعبه مورد (د) و تجارت با سرزمین‌های دور و نزدیک مورد (الف)، قدرت و نفوذ سیاسی قابل توجهی در میان قبایل دیگر داشت؛ اما این قدرت و نفوذ را نمی‌توان به منزله‌ی حکومت پایدار شمرده؛ زیرا متکی به تشکیلات سیاسی، اداری و نظامی منظم و منسجمی نبود و ثبات لازم را نداشت.

(۲) ۲۱۸ به طور کلی، وضعیت اجتماعی و فرهنگی مردمانی که حضرت محمد (ص) در میان آنان مبعوث شد، دارای ویژگی شاخصی بود که قرآن از آن با صفت «جاهلی» یاد کرده است.

(۲) ۲۱۹ در مرحله‌ی سنجش اعتبار و نقد روایت‌کننده، پژوهشگران و مورخان موضوعاتی نظیر ویژگی‌های هویتی روایت‌کننده‌ی خبر، محل تولد و زندگی، گرایش فکری، مذهبی و سیاسی و جایگاه علمی او را مورد بررسی قرار می‌دهند.



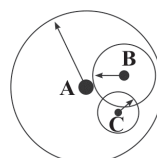
۲۲۰ ۱ رسول خدا در جست‌وجوی یافتن مردمانی که آمادگی
بیش‌تری برای پذیرش اسلام داشته باشند، به تنهایی راهی طائف شدند.

جغرافیا

۲۲۱ ۳ موقعیت یک شهر یا روستا در ادامه‌ی حیات یا گسترش آن
سکونتگاه و یا حتی نابودی و زوال آن نقش مهمی ایفا می‌کند.

۲۲۲ ۲ هاملت یا دهکده ← دهی که کلیسا ندارد.

۲۲۳ ۲



۲۲۴ ۳ در شهرها بر اثر فرهنگ و مناسبات اجتماعی، نوگرایی بیش‌تر
است و تغییرات اجتماعی سریع‌تر انجام می‌شود.

۲۲۵ ۲ شهر متوسط ← ۱۵۰۰۰۰ - ۲۵۰۰۰

شهر کوچک ← ۲۵۰۰ - ۲۵۰

۲۲۶ ۴ آستانه‌ی نفوذ ← حداقل جمعیتی که تقاضای کالا، خدمات
یا عملکردی از سکونتگاه دارند.

۲۲۷ ۲ میزان رشد شهرنشینی در آسیا و آفریقا ۱/۵ درصد در سال
است.

۲۲۸ ۴

سال	درصد
۱۹۵۰	۳۰
۲۰۱۴	۵۴
۲۰۵۰	۶۶

۲۲۹ ۴ در برخی کشورهای اروپایی سکونتگاه‌هایی با بیش از ۲۰۰۰
نفر جمعیت، شهر محسوب می‌شوند، اما در برخی کشورهای پرجمعیت آسیا
مانند چین و هند، روستاهایی با بیش از ۳۰۰۰۰ نفر جمعیت وجود دارند.

۲۳۰ ۳ هسته‌ی اولیه‌ی روستای هولکو در مجارستان، قلعه است.

۲۳۱ ۴ دو کلمه‌ی مهم سازنده‌ی واژه‌ی جغرافیا از نظر اراتوستن،
زمین و ترسیم است.

۲۳۲ ۱ فنون جغرافیایی مرتبط با علوم فضایی شامل سنجش از دور و
GIS است.

۲۳۳ ۲ شناخت توان‌ها و ظرفیت‌های محیطی بدون دانش جغرافیا
ممکن نیست؛ پس جغرافیا علمی برای زندگی بهتر است.

۲۳۴ ۲ دید ترکیبی و کل‌نگر به جغرافی‌دان کمک می‌کند تا به طور
همه‌جانبه و جامع، پدیده‌ها را با تمام ویژگی‌های آن در یک مکان مورد مطالعه
قرار دهد.

۲۳۵ ۱ کجا ← تهران / چه موقع ← ۵ دی‌ماه ۱۳۹۶ / چرا ←
بارش شدید برف / چه چیز ← تعطیلی مدارس

۲۳۶ ۳ روند زمانی موضوعات جغرافیا ← چه موقع

انسان و روابط متقابل او با محیط ← چه کسانی

بعد بررسی سیر تکوین و تحول پدیده‌ها ← چطور

۲۳۷ ۴ تدوین فرضیه یکی از مراحل حساس پژوهش است. فرضیه‌ها

در هر پژوهش، نقش راهنما را دارد و به فعالیت‌هایی که قرار است انجام
شود، جهت می‌دهد.

۲۳۸ ۴ در مرحله‌ی آخر (نتیجه‌گیری و ارائه‌ی پیشنهادها)

پژوهشگر با تجزیه و تحلیل اطلاعات، پاسخ مسئله‌ی پژوهش را می‌یابد.

۲۳۹ ۳ مرحله‌ی دوم پژوهش ← تدوین فرضیه

مرحله‌ی چهارم پژوهش ← پردازش اطلاعات

۲۴۰ ۲ عوامل مؤثر در افزایش جمعیت شهر کرج در دهه‌ی اخیر

مربوط به طرح سؤال و بیان مسئله در پژوهش است.

۲۴۱ ۱ انتخاب معیارها و ملاک‌ها برای تعیین حدود یک ناحیه به

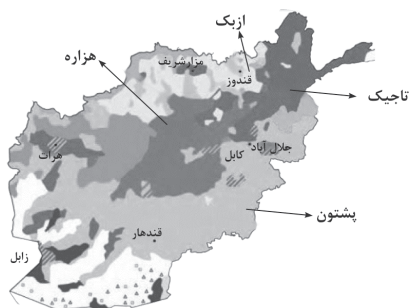
هدف مطالعه و تحقیق جغرافی‌دان بستگی دارد.

۲۴۲ ۱ با توجه به جدول صفحه‌ی ۵ جغرافیای (۲)، خزر غربی ۲۶

درصد بارش و داخلی ۵۶ درصد بارش دارد.

۲۴۳ ۱ با توجه به نقشه در شمال شرقی کشور افغانستان قوم تاجیک

زندگی می‌کنند.



۲۴۴ ۲



۲۴۵ ۴ (ب) جنوب غربی (اسپانیا - پرتغال)

(د) شرق اروپا (اکراین - لیتوانی - رومانی - بلغارستان و ...) نواحی غیرصنعتی
اروپا هستند.

۲۴۶ ۳ ساوان بین جنگل‌های بارانی استوایی و صحرای بزرگ

آفریقا است.

۲۴۷ ۲ شمال شرقی ایالات متحده‌ی آمریکا دارای زبان فرانسوی

است.

۲۴۸ ۳





۲۵۸ ۱ کنش‌های انسان بدون آگاهی انجام نمی‌شود، ولی ما اغلب از

آگاهی و دانشی که نسبت به کنش‌های خود داریم غافلیم.

- ما دانش عمومی را در تعاملات با یک‌دیگر به کار می‌بریم.

- دانش علمی جامعه در تلاش برای حل مسائل و مشکلات زندگی رشد و توسعه پیدا می‌کند.

- تلقی جهان متجدد از علم تعارضاتی را در ذخیره‌ی دانشی جوامع پدید می‌آورد.

۲۵۹ ۳ هیچ‌یک از کنش‌های ما بدون دانش انجام نمی‌شود. اگر این

دانش نباشد، زندگی اجتماعی ما مختل می‌شود و جهان اجتماعی فرو می‌پاشد. این دانش، دانش حاصل از زندگی است.

- حل تعارضات در ذخیره‌ی دانشی گاه با دست برداشتن از بخشی از ذخیره‌ی دانشی به نفع بخشی دیگر، و گاه با طرح ایده‌های جدید و ... انجام می‌شود.

- وقتی درباره‌ی موضوعی دانش علمی قابل توجهی فراهم می‌شود علم ویژه‌ای شکل می‌گیرد.

۲۶۰ ۲

بررسی قسمت دوم عبارت نادرست:

ما دانش عمومی را در نخستین مرتبه از طریق احساس، مشاهده و عمل روزانه‌ی خود در زندگی مشترک با خانواده و دیگران فرا می‌گیریم.

۲۶۱ ۴ **بررسی عبارت:**

الف) فعالیت‌هایی مانند بسته شدن ناخودآگاه چشم در مواجهه با خطر، کنش محسوب نمی‌شوند. ← به ارادی بودن کنش، اشاره دارد.

ب) کنش آگاهانه است. ← باز ماندن از گفتار به اهمیت آگاهی در ویژگی کنش اشاره دارد.

۲۶۲ ۱ **بررسی قسمت دوم عبارت نادرست:**

فعالیت انسان با قصد و هدف خاصی انجام می‌شود، اگرچه ممکن است همیشه به آن نرسد.

۲۶۳ ۳ در جلسه‌ی امتحان نشسته‌اید و شرایط مناسب محیطی، اجتماعی و فردی فراهم است ← در صورت عدم آگاهی، از پاسخ به پرسش باز می‌مانید.

استراحت کنم و برای امتحان بعدی بیش‌تر تلاش کنم؟ یا از همین الان شروع به مطالعه کنم؟ ← قرار گرفتن بر سر دو راهی یکی از ویژگی‌های کنش انسانی است و به اراده‌ی انسان وابسته است.

مادرم از حالت چهره و چشمان خیس من فهمید که امتحان امروز چطور بوده! ← کنش انسان برخلاف فعالیت سایر مخلوقات معنادار است.

۲۶۴ ۱ **کنش‌هایی که در حضور دیگران، ولی بدون توجه به آن‌ها اتفاق می‌افتند، کنش اجتماعی نیستند.**

بررسی سایر گزینه‌ها:

۲) کسانی که کنشگران با توجه به آن‌ها دست به کنش می‌زنند، اغلب متفاوتند.

۳) کنش اجتماعی تنها در حضور فیزیکی دیگران صورت نمی‌گیرد.

۴) در کنش اجتماعی، آگاهی و اراده‌ی کنشگر ناظر به دیگران، ویژگی‌ها و اعمال آن‌هاست.

۲۶۵ ۱ **اگر کنش اجتماعی نباشد، هیچ‌هنجاری شکل نمی‌گیرد و هیچ‌یک از ارزش‌های اجتماعی مانند عدالت، امنیت و آزادی محقق نمی‌شوند.**

۲۴۹ ۲ **بیابان لوت بین استان‌های خراسان جنوبی، کرمان و**

سیستان و بلوچستان قرار دارد.



۲۵۰ ۲ **مراعات مداری به علت خشکی هوا در حاشیه‌ی صحرا به**

استپ‌های بیابانی تبدیل می‌شود.

جامعه‌شناسی

۲۵۱ ۲ **فرض کنید به پیشنهاد دوستی به یک میهمانی دعوت شده‌اید**

که کسی را نمی‌شناسید. در چنین موقعیتی پیش از انجام هر کاری به این‌که چگونه راه بروید، حرف بزنید می‌اندیشید؛ در این موقعیت متوجه می‌شوید که آگاهی‌ها و دانش‌هایی وجود دارد که به سبب عادت از نظر و توجه شما پنهان بوده است.

۲۵۲ ۳ **جهان متجدد براساس هویت دنیوی خود، دانش علمی را**

محدود و منحصر به دانش تجربی می‌داندست و سایر روش‌های عقلانی و وحیانی را از دایره‌ی علم بیرون می‌راند.

۲۵۳ ۴

بررسی عبارت نادرست:

دانش عمومی گسترده‌ترین بخش از ذخیره‌ی دانشی ما را تشکیل می‌دهد.

۲۵۴ ۲ **ما دانش عمومی را در نخستین مرتبه از طریق احساس،**

مشاهده و عمل روزانه‌ی خود در زندگی مشترک با خانواده و دیگران فرا می‌گیریم. در مراحل بعدی دانش دقیق‌تر و عمیق‌تری را نسبت به آموخته‌های اولیه‌ی خود به دست می‌آوریم. به این دانش عمیق بعدی دانش علمی می‌گویند.

۲۵۵ ۳ **جهان متجدد براساس هویت دنیوی خود، دانش علمی را**

محدود و منحصر به دانش تجربی می‌داندست و سایر روش‌های عقلانی و وحیانی را از دایره‌ی علم بیرون می‌راند. ما درباره‌ی دانش عمومی کم‌تر می‌اندیشیم؛ بیش‌تر از آن استفاده می‌کنیم و در تعامل با یک‌دیگر آن را به کار می‌بریم.

۲۵۶ ۲ **دانش عمومی (همگانی) به سبب عادت از نظر و توجه شما**

پنهان است.

- هر فرد، گروه، قوم، جامعه و امتی یک ذخیره‌ی دانشی دارند که راهنمای زندگی آن‌هاست.

- زبان، یک پدیده‌ی اجتماعی است که در ارتباط با آن، دانش عمومی، دانش سخنگویان زبان فارسی و دانش علمی، دانش متخصصان زبان فارسی است.

۲۵۷ ۱ **گاهی در جامعه بین دانش عمومی و دانش علمی تعارضاتی**

پدید می‌آید. اعضای جامعه برای حل این تعارضات تلاش می‌کنند. حل تعارضات گاه با دست برداشتن از بخشی از ذخیره‌ی دانشی به نفع بخشی دیگر و گاه با طرح ایده‌های جدید و ... انجام می‌شود.

- تفاوت علوم به تفاوت موضوع آن‌ها مربوط می‌شود. مثلاً موضوع فلسفه «وجود»، موضوع ریاضی «کمیت»، موضوع فیزیک «طبیعت» و موضوع زیست‌شناسی «موجود زنده» است.

- اگر دانش همگانی نباشد، زندگی اجتماعی ما مختل می‌شود و جهان اجتماعی فرو می‌پاشد.



۲۶۶ ۲ درونی سازی: جامعه‌شناسان تأثیر پدیده‌های اجتماعی بر افراد و کنش اجتماعی آن‌ها را درونی سازی می‌گویند. ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی بعد از این‌که از طریق کنش‌های اجتماعی تحقق پیدا کردند، پدیده‌های «جامعه‌پذیری» و «کنترل اجتماعی» را ضروری می‌سازند تا از طریق تعلیم و تربیت و تشویق و تنبیه، ارزش‌ها و هنجارها را به افراد منتقل کنند. پدیده‌های اجتماعی معنادار هستند. وفای به عهد، پدیده‌ای اجتماعی است.

۲۶۷ ۴ انجام نشدن کنش ← عدم آگاهی و فقدان اراده ناتوانی در راه‌اندازی و استفاده از یک دستگاه پیچیده ← عدم آگاهی پاسخگویی مناسب به یک کنش ← درک صحیح معنای آن

۲۶۸ ۴ ادراک ← فردی و درونی راه رفتن ← بیرونی، فردی و اجتماعی (مواست باشد راه رفتن آله در خیابان باشد کنش اجتماعی و آله در تنهایی باشد، کنش فردی)

مشورت کردن ← اجتماعی و بیرونی مسواک زدن ← فردی و بیرونی

۲۶۹ ۲ سه گزاره اول به ارزش‌های اجتماعی اشاره دارد. گزاره آخر یک هنجار اجتماعی است.

۲۷۰ ۴ بیت مذکور به موردی اشاره می‌کند که کنشگر بدون توجه به دیگران کنشی را انجام می‌دهد که البته این کنش، کنش اجتماعی محسوب نمی‌شود. برخلاف سایر گزینه‌ها، در گزینه (۴) (رعایت مقررات راهنمایی و رانندگی به علت توجه به این مقررات و رعایت حقوق دیگران حتی اگر حضور نداشته باشند، کنش اجتماعی محسوب می‌شود) به یک کنش اجتماعی اشاره شده است.

۲۷۱ ۲ پاسخ‌های متفاوت به پرسش‌های اساسی فرهنگ، جهان‌های فرهنگی مختلف را پدید می‌آورد. بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) پرسش‌ها و پاسخ‌های اساسی هر فرهنگ، عقاید اساسی یا تصاویر بنیادی هر فرهنگ از انسان و جهان را می‌سازند و به مثابه روح یا شالوده‌ی آن فرهنگ عمل می‌کنند.

(۲) هویت اجتماعی بیش‌تر متأثر از لایه‌های عمیق فرهنگ (عقاید و ارزش‌ها) است و هر فرهنگی در عمیق‌ترین لایه‌های خود به بنیادی‌ترین پرسش‌های بشر پاسخ می‌دهد.

(۴) هر فرهنگی در عمیق‌ترین لایه‌های خود به بنیادی‌ترین پرسش‌های بشر پاسخ می‌دهد.

۲۷۲ ۲ وقتی فردی درباره‌ی مسئله‌ی خاصی می‌اندیشد، در محدوده‌ی فردی و ذهنی خود به سر می‌برد، ولی هنگامی که اندیشه‌ی خود را به صورت گفتار یا نوشتار بیان می‌کند یا براساس اندیشه و تصمیم خود با دیگران رفتار می‌کند، به محدوده‌ی اجتماعی و فرهنگی وارد می‌شود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) ابعاد ذهنی، اخلاقی و روانی انسان‌ها به بخش فردی جهان انسانی تعلق دارد.

(۳) جهان انسانی، محصول زندگی انسان است و هرچه با اندیشه و عمل انسان پدید آید، مربوط به این جهان است.

(۴) بین دو بخش ذهنی و فرهنگی جهان انسانی، تناسب و هماهنگی وجود دارد.

۲۷۳ ۳ گروهی که جهان فرهنگی، ذهنی و تکوینی را مهم و در تعامل با یک‌دیگر می‌دانند، بر مسئولیت فرد در قبال فرهنگ و جامعه تأکید می‌کنند.

گروهی جهان فرهنگی را مهم‌تر از جهان ذهنی و تکوینی می‌دانند و معتقدند جهان تکوینی ماده‌ی خامی برای دخل و تصرف فرهنگ‌ها و جوامع مختلف است.

برخی جهان تکوینی را به جهان طبیعت محدود می‌کنند و تفاوت بین علوم طبیعی با علوم انسانی را نادیده می‌انگارند. نادیده گرفتن تفاوت علوم طبیعی با علوم انسانی، ظرفیت‌ها و قابلیت‌هایی را از علوم انسانی و اجتماعی سلب می‌کند.

۲۷۴ ۲ تبعیت جهان ذهنی و فردی افراد از فرهنگ جامعه، دیدگاه گروهی است که جهان فرهنگ را مهم‌تر از جهان ذهنی و جهان طبیعی و عینی می‌دانند.

۲۷۵ ۴ بررسی عبارت نادرست:

همان‌طور که بین جهان ذهنی و جهان فرهنگی پیوند و ارتباط برقرار است، بین جهان عینی و جهان انسانی نیز ارتباط و پیوند برقرار است.

۲۷۶ ۲ دیدگاه اول: نادیده گرفتن تفاوت علوم انسانی با علوم طبیعی:

برخی جهان تکوینی را به جهان طبیعت محدود می‌کنند و جهان طبیعت را مهم‌تر از جهان ذهنی و جهان فرهنگی می‌دانند. در این دیدگاه، ذهن افراد و فرهنگ نیز هویتی طبیعی و مادی دارند و علوم مربوط به آن‌ها نظیر علوم طبیعی است. این گروه بین علوم طبیعی و علوم انسانی تفاوتی قائل نیستند. نادیده گرفتن تفاوت علوم انسانی با علوم طبیعی ظرفیت‌ها و قابلیت‌هایی را از علوم انسانی و اجتماعی سلب می‌کند.

دیدگاه دوم: در این دیدگاه جهان ذهنی و جهان تکوینی اهمیت و استقلال خود را در برابر جهان فرهنگی از دست می‌دهند: این گروه جهان فرهنگی را مهم‌تر از جهان ذهنی و تکوینی می‌دانند.

دیدگاه سوم: ادراک و آگاهی محدود به انسان نمی‌شود: رویکرد کسانی است که جهان فرهنگی، جهان ذهنی و جهان تکوینی را مهم و در تعامل با یک‌دیگر می‌دانند.

۲۷۷ ۱ برخی جهان تکوینی را به طبیعت محدود می‌کنند. این گروه طبیعت را در مقابل جهان انسانی قرار می‌دهند و با تقسیم جهان انسانی به دو جهان ذهنی و فرهنگی از سه جهان سخن می‌گویند. جهان طبیعت، جهان ذهن و جهان فرهنگ.

۲۷۸ ۳ این شکل بیانگر این مطلب است که بین بخش ذهنی و فرهنگی جهان انسانی، تناسب و هماهنگی وجود دارد. بر این اساس، هر فرهنگی به عقاید خود اجازه‌ی بروز و ظهور می‌دهد و هر نوع اخلاقی جویای فرهنگی متناسب با خود است.

۲۷۹ ۱ از بخش اجتماعی جهان انسانی با عنوان جهانی فرهنگی و از بخش فردی آن با عنوان جهان ذهنی تعبیر می‌کنند.

۲۸۰ ۲ وقتی فردی درباره‌ی مسئله‌ای خاص می‌اندیشد، در محدوده‌ی جهان فردی و ذهنی خود زندگی می‌کند.

فلسفه و منطق

۲۸۱ ۳ لازمه‌ی عبور از فطرت اول به فطرت ثانی این است که انسان هر چند برای لحظاتی از قید عقل معاش فارغ شود.



۲۸۲ ۴ بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) چون محتوا فلسفی است مهبای تبیین عقلانی است.

(۲) همه‌ی معارف اسلامی ماهیت فلسفی ندارند.

(۳) زبان فلسفه و دین متفاوت است.

۲۸۳ ۲ فلسفه برای کسی که در فطرت اول باشد (توجه و دل‌مشغولی

فقط معطوف به زندگی روزمره باشد) بی‌فایده است.

۲۸۴ ۴ علم هستی‌شناسی = مابعدالطبیعه = فلسفه‌ی اولی که وجود

اشیاء را بررسی می‌کند نه چهره‌های ظاهری را.

۲۸۵ ۲ آستانه‌ی تفکر فلسفی، عبور از فطرت اول به فطرت ثانی است

که با حیرت ایجاد می‌شود.

۲۸۶ ۳

$$\frac{\text{چهره‌ی ظاهری}}{\text{نوشته‌ی واژه}} = \frac{\text{موجود}}{\text{معنای واژه}} = \frac{\text{وجود کلی}}{\text{معنای جمله}}$$

۲۸۷ ۴ بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) محتوای دین و فلسفه در بعضی مسائل یکسان است.

(۲ و ۳) دین و فلسفه دو امر مختلف‌اند که در بعضی مسائل و موضوعات اشتراک دارند.

۲۸۸ ۲ از نظر علامه طباطبایی دعوت به تفکر از ویژگی‌های اسلام

است که هم‌افق با تفکر فلسفی است.

۲۸۹ ۱ ملاصدرا تفسیر خود را با تفسیر سوره‌ی حدید شروع کرد.

۲۹۰ ۴ قوه همان ماده است و هر چیزی که مادی باشد، تغییر می‌کند

و تغییر همان حرکت است.

۲۹۱ ۳ منطق فقط ما را با طرز کار ذهن آشنا می‌کند و همین آشنایی،

ما را در درست اندیشیدن یاری می‌نماید و مانع بروز برخی اشتباهات در هنگام تفکر می‌گردد.

۲۹۲ ۴

بررسی گزینه‌ها:

(۱) منطق ابداع‌شدنی نیست.

(۲) کار منطق پیش‌بینی اشتباهات نیست، آن هم اشتباهات حتمی.

(۳) منطق توانایی ممانعت از همه‌ی خطاهای تفکر را ندارد.

(۴) بهره‌برداری بهتر از فرآیند تفکر با این‌که بیان‌کننده‌ی نقش دانش منطق است، اما به فایده‌ی علم منطق نیز اشاره دارد.

۲۹۳ ۴ ما چه بخواهیم و چه نخواهیم و چه بدانیم و چه ندانیم،

موجودی متفکر هستیم و کشف ضوابط حاکم بر تفکر به علم منطق مربوط است.

۲۹۴ ۲ اگر ناطق در تعریف انسان به معنای سخن گفتن باشد، یعنی

در تعریف انسان بگوییم حیوان سخن‌گو، این تعریف نه جامع است نه مانع.

۲۹۵ ۳ نتیجه‌ی تفکر، رسیدن به دانش و شناخت جدید است.

۲۹۶ ۴ روشن بودن معرّف از معرّف برای مخاطب مطرح است (البته

مخاطب می‌تواند خود تعریف‌کننده باشد) و مفاهیمی که به طور کلی روشن هستند، نیازی به تعریف ندارند (پدیده‌ی) و تعریف باید همه‌ی مصداق‌های معرّف را دربر بگیرد که اگر نگیرد، فاقد شرط جامعیت خواهد بود.

۲۹۷ ۱ گاهی برای شناساندن یک مفهوم، نمونه‌ی خارجی و مصداق

آن را به مخاطب نشان می‌دهیم.

۲۹۸ ۱ خطا در فکر اتفاق می‌افتد، یعنی تعریف و استدلال.

۲۹۹ ۳ فرآیند تفکر، ذاتی است و ایجادشدنی نیست، اما منطق

می‌تواند باعث بهره‌برداری بهتر از آن شود (نقش دانش منطق).

۳۰۰ ۱ عبارت «کسی که خواهان خداوند است» با این‌که دارای فعل

است، اما هیچ حکمی را بیان نکرده، لذا تصدیق نیست و تصور است.

۳۰۱ ۱ روشی که به کمک آن در علوم به این قوانین دست یافته‌اند،

روش تجربی است.

۳۰۲ ۴ فلسفه آن‌گاه که درباره‌ی مبانی و اصول غیرتجربی علوم بحث و

تحقیق می‌کند، در پی دست یافتن به یک تبیین عقلانی از علوم تجربی است و می‌خواهد به این سوالات پاسخ دهد که چرا به علوم تجربی می‌توان اعتماد کرد؟ چرا می‌توان نتایج آن را قبول کرد و از آن نتایج در زندگی سود برد؟

چرا انسان به علوم تجربی نیاز دارد؟ و این‌ها سؤالاتی هستند که پاسخ آن‌ها را باید در علمی غیر از علوم تجربی جست‌وجو نمود و آن دانش فلسفه است.

۳۰۳ ۳ علوم تجربی مانند یک عمارت بزرگ است که اصول فلسفی

آن در فلسفه‌ی علوم طبیعی، زیرساخت و پایه‌ی آن هستند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) علوم تجربی را می‌توان به یک کشتی بسیار عظیم تشبیه کرد که فلسفه‌ی علوم تجربی لنگرهای آن کشتی باشند.

(۲) علوم تجربی می‌توانند خیمه‌ای استوار باشند که فلسفه‌ی علوم تجربی ستون آن خیمه خواهد بود.

(۴) کل دانش بشری می‌تواند یک درخت غول‌پیکر باشد که علوم تجربی ساقه‌های تناور آن باشند، بدین معنا که نقش عمده‌ای در شکل‌گیری دانش بشر دارند و فلسفه‌ی علوم تجربی، ریشه‌ی این درخت است.

۳۰۴ ۲ کلمه‌ی «هر» در عبارت «هر آتشی سوزاننده است»

نشان‌دهنده‌ی یکسان عمل کردن طبیعت است.

توجه: همه‌ی قوانین علوم تجربی به همه‌ی اصول فلسفی دلالت دارند، اما گاهی واژه‌ای یکی از این اصول را برجسته می‌کند.

۳۰۵ ۲ علوم تجربی بر اصولی استوار هستند که فلسفه با روش

عقلانی (غیرتجربی) عهده‌دار تحقیق و بررسی آن‌ها است.

۳۰۶ ۳ فیلسوفیا به معنای دوستداری دانایی است و فیلسوف یا

فیلسوفوس به معنای دوستدار دانش است.

۳۰۷ ۱ موضوع فلسفه‌ی علوم طبیعی خود علوم طبیعی و موضوع

علوم طبیعی پدیده‌های طبیعی است.

۳۰۸ ۳ ارسطو می‌گوید: اعجاب و حیرت است که نخستین

اندیشمندان و همچنین مردم امروز را به بحث‌های فلسفی کشانیده است.

معنای رفع حیرت = تبیین عقلانی

۳۰۹ ۱ کاربرد مفاهیم علمی نشان می‌دهد که دانشمندان باور دارند

این مفاهیم حاکی از امور واقعی در طبیعت هستند.

۳۱۰ ۲ تبیین عقلانی، معنای مشترک فلسفه در بین مردم و

فلسفه به عنوان یک دانش خاص است.



روانشناسی

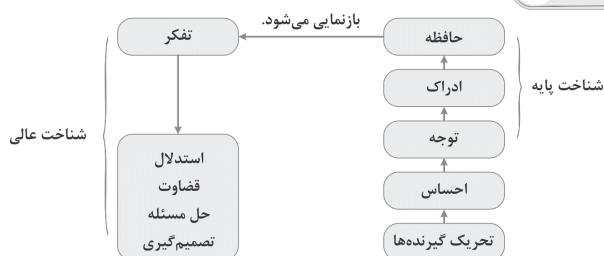
۳۱۱ ۱

فرضیه جمله‌ای خبری است که برحسب شانس و تصادف نباشد. پس گزینه‌ی (۲) به علت وجود کلمه‌ی «ممکن» که نشان‌دهنده‌ی احتمال است، رد می‌شود و گزینه‌ی (۳) نیز مسئله است، نه فرضیه؛ زیرا سؤالی است. در گزینه‌ی (۴) قسمت اول آن فرضیه است، ولی قسمت دوم آن تبیین است. توصیف به چیسستی مربوط می‌شود (یعنی تعریف پدیده). فقط در گزینه‌های (۱) و (۲) قسمت دوم شامل توصیف می‌شود و در گزینه‌های (۳) و (۴) قسمت دوم تبیین است، نه توصیف؛ زیرا به بیان چرایی پدیده اشاره دارد. گزینه‌ی (۲) با این‌که قسمت دومش توصیف است، اما قسمت اول آن فرضیه نیست.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۲) جمله‌ای برحسب شانس و تصادف به علت وجود کلمه‌ی ممکن - توصیف
(۳) مسئله - تبیین
(۴) فرضیه - تبیین

۳۱۲ ۴



پایین‌ترین سطح شناخت عالی ← استدلال

بالاترین سطح شناخت پایه ← حافظه

۳۱۳ ۳

فرضیه: جمله‌ای خبری است که به صورت خردمندانه‌ای در پاسخ به سؤال طرح می‌شود. خردمندانه بودن محتوای یک جمله‌ی خبری به این معناست که نه براساس شانس و تصادف، بلکه مبتنی بر دانش و تجربه است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۱) فرضیه در صورت تأیید به قانون تبدیل می‌شود.
(۲) فرضیه یک گزاره است.
(۴) نظریه یک گزاره است.

۳۱۴ ۳

کندی ← اولین فیلسوفی است که در اسلام به شرح و توصیف «نفس» و اقسام آن به شیوه‌ی ارسطو پرداخته است. ابن سینا ← شناخت راستین را «شناخت عقلی» می‌داند. فارابی ← از نظر او شکوفایی فطرت‌ها از طریق «آموزش» امکان‌پذیر است.

۳۱۵ ۴

احساس ← نتیجه‌ی تحریک گیرنده‌های حسی
توجه ← یک یا چند محرک احساس شده را انتخاب می‌کنیم.
ادراک ← تفسیر محرک‌های انتخابی
حافظه ← نگهداری تفسیرها در محفظه

۳۱۶ ۴

همه‌ی علوم با نظریه‌ها سروکار دارند از جمله روان‌شناسی.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۱) در روان‌شناسی، برخی نظریه‌ها پشتوانه‌ی تجربی قوی ندارند.
(۲) سطح تجربی ← تجربه‌پذیری و پژوهش‌پذیری
(۳) سطح صوری ← ساختار ظاهری و نحوه‌ی نگارش

۳۱۷ ۲

در روش علمی، از روش‌های تجربی، عینی و قابل تکرار استفاده می‌شود. روش شهودی مبتنی بر درک درونی است و عرفا برای کسب شناخت از این روش استفاده می‌کنند و مهم‌ترین ویژگی این شیوه، شخصی بودن آن است. در روش خردگرایانه با کمک فلسفه و روش‌های مبتنی بر منطق به حقیقت چیزی پی می‌برند و فیلسوفان از این روش استفاده می‌نمایند. در روش استناد به نظر صاحب‌نظران برای کسب اطلاعات از افراد متخصص و باتجربه، آیات الهی و سیره‌ی نبوی استفاده می‌شود.

۳۱۸ ۱

فرآیند به جریان یک عمل اشاره دارد. وقتی از یک مبدأ به سوی یک مقصد در حال حرکت هستیم، جریان رسیدن به هدف را فرآیند می‌گویند. موقعیت نامعین در روش علمی اشاره به اهمیت ابهام‌زدایی و روشن‌سازی دارد. منظور از نظام‌دار بودن این است که روش علمی تابع قواعد مشخصی است و هر یک از این قواعد به صورت منظم طی می‌شود و دقیقاً تفاوت یک فرد عادی و دانشمند در همین است. در جست‌وجوی چیزی بودن باعث می‌شود تا روش علمی هدفمند باشد.

۳۱۹ ۲

بیان چرایی و علت یک پدیده به تبیین اشاره دارد. واژه‌ی «همیشه» در این‌جا این مفهوم را می‌رساند که این پدیده تکرارپذیر است.

۳۲۰ ۳

رابطه‌ی مسئله و فرضیه یک رابطه‌ی دوسویه است. ساختار صوری برخی نظریه‌ها در زمان ارائه قابل بررسی تجربی نیستند، به همین دلیل همه‌ی نظریه‌ها در دو سطح صوری و تجربی به یک اندازه رشد نکرده‌اند.